

تاریخ شرمگاہی اسلام



کاظم آقا آبدارچی

شرح خانم بازیهای محمد و آل علی به روایت معتبر ترین تاریخنویسان غرب و شرق

این نوشتار در بر گیرنده تاریخ اسلام بوده و هیچ
تاریخ نویسی مشابه کار کاظم آقا آبدارچی و تیم
تحقیقاتی او برای بازگو کردن حقایق اسلام عمل
نکرده اند . به کسانی که این نوشتار را خوانده و در
پایان به سئوالات ما پاسخ درست بدهند دو بسته ده
پوندی برنج پری بایک شیشه روغن هسته انگور
جایزه میدهیم.

بهار 2577 ایرانی – 2019 میلادی – لس آنجلس

شاید این عمیق ترین و ناکاویده ترین پژوهشی
است که در این مورد صورت پذیرفته و به چاپ
رسیده است . پیشاپیش از سرپرست پژوهش ،
کاظم آقا، آبدارچی پیام آزادگان تشکر می کنیم که
پرده از زنجارگی های محمد و امامان اسلام
برداشتند و سندی را عرضه کردند که تا کنون
دانشمندان و تاریخ نگاران عرب سعی بر پنهان
کردن آنها داشتند . مگر میشود امامی چهار صد تا
زن داشته باشد و فرصت ارشاد مردم را داشته
باشد ؟

تتها برای وقت گرفتن و تنظیم برنامه سنبل آنها دو
برابر سن آنها به زمان نیازمندیم .

زنباره کبیر اول محمد ابنه عبدالله دامن برکاته

رقابت ایشان با خروس موجب افتخار مسلمانان جهان است. حضرت عملیات جنسی خویش را در سن شش سالگی با مرغ و گوسفند و بز و در مراحل بعدی با خر و اسب آغاز کردند. تاریخ نگاران عرب تماس ایشان را با شتر بطور مشکوک گزارش کرده اند.

ممکنست در ابتدای کار از تیم پژوهشی کاظم آقا، ایراد بگیرید که این مزخرفات چیست؟ که در پاسخ باید گفت: اسناد ما از هزار فزون بوده و شامل صدها کتاب، حدیث، و فتوا میباشد. لطفا اول سری به توضیح المسائل آیت الله های ریز و درشت بزنید، بعد دهان مبارکتان را باز کنید

توضیح المسائل امام خمینی قدس سره را باز می کنیم

اگر کسی حیوانی را وطی کند (نزدیکی با حیوان داشته باشد) و منی از او بیرون آید غسل تنها کافی است و اگر منی بیرون نیاید چنانچه پیش از وطی وضو داشته باشد باز هم غسل تنها کافی است و اگر وضو نداشته باشد، احتیاط واجب است که غسل کند و وضو بگیرد. (مسئله 351).

اگر کسی با اسب و الاغ و قاطر وطی کند گوشت آنها حرام می شود و باید آنها را از شهر بیرون ببرند و در جای دیگر بفروشند. (مسئله

2631) ولی اگر حیوان گوسفند و یا بز باشد ، باید او را بکشند و بسوزانند. (تبعیض نژادی در چسلام) .

اگر کسی با گاو و گوسفند و شتر نزدیکی کند بول و سرگین (ادرار) آنها نجس می شود و باید بدون آنکه تاخیری بیفتد آن حیوان را بکشند و بسوزانند. (مسئله 2632). (تکرار تبعیض نژادی در چسلام) .

نابغه اسلام آلت الله منتظری در توضیح المسائل خود نوشته : اگر در تاریکی طویله ، حیوانی مورد تجاوز قرار گرفت و آن حیوان شناسائی نشد ، باید با قید قرعه حیوانی را انتخاب ، او را کشته و بسوزانند.

در تمام احکام فقهی در مذهب اسلام به چهار مورد اشاره شده است : اول فرد خاطی ضامن قیمت آن حیوان است که باید به صاحبش بدهد ! بنابراین آدم ندار حق دست زدن به حیوان را ندارد ! کسی نیست بپرسد : اگر کسی پول داشته باشد که میرود مشهد و پس از دادن حق جاه کشی امام رضا ، صیغه ای را به سیخ می کشد . پس مورد اول از بیخ و بن غلط بوده و معلوم نیست برای چه آنرا نوشته اند.

دوم : حرام شدن گوشت حیوان مورد تجاوز و ظالمانه تر از آن ، اگر حیوان بار دار باشد ، جنین را هم باید کشته ، چون او هم نجس است ! سوم : کشتن و سوزانیدن حیوان . چهارم : بردن حیوان به شهر دیگر که اهالی آنجا نمیدانند به این حیوان تجاوز شده است و باید از یک حیوان ریپ شده سواری بگیرند و یا گوشت او را بخورند .

میان مجتهدین و دستار بندان بیمار در مورد اول ، همانطوریکه ما ایراد گرفتیم ، اختلاف نظر وجود دارد . برخی از حیوانات دستار بند عقیده دارند : اگر فردی به حیوانی تجاوز کرد ، آن حیوان به او محرم شده و نباید پول آنرا به صاحبش بدهد (میتواند حیوان را جزو مایملک خود ، درست مثل زنش بحساب بیآورد)

هم میهن نکات بالا را ما از خودمان برای خنده تو نساخته ایم . به جامع عباسی ، باب نوزدهم ، مبحث دخول بر حیوانات رجوع کن تا به امانت داری ما ایمان بیآوری

کاظم آقا میگوید : من عذر می خواهم که با صراحت بعضی از تیترهایی که برای این مطلب گذاشته شده است را خدمتتان عرض می کنم: فتوای جنسی، نزدیکی با حیوانات در توضیح المسائل!، احکام دخول بر حیوانات در اسلام! در تمامی این تیترها حقیقتی وجود دارد که نشان از دین شرمگاهی و حیوانی اسلام دارد که در آن به حیوانات هم رحم نمی شود.

این مسائل تنها در رساله امام خمینی نیست بلکه در رساله همه مراجع تقلید هست، بالاتر از آن در روایات از ناحیه معصومین!!!!!! نیز وارده شده است.

در دین شرمگاهی اسلام ، اگر مسائل سکسی ، دادن و کردن را حذف کنیم ، این دین اخته شده و هیچ چیز برای گفتن ندارد . در اسلام اگر کلاس آموزش قرآن ترتیب میدهند ، برای ترتیب دادن دانش آموزان است ! در این خصوص بهترین نمونه آقای سعید طوسی هستند که امیدواریم روزی از تجارب گرانبهای ایشان در محلی که هزاران تن حضور دارند بهره ببریم . کودکان و نوجوانانی که می خواهند آخوند شوند ، تمرین

ملا شدن را با حیوانات ده خودشان و دوره های عالی و تخصصی را در فیضه و روی پای معلمین حوزه بزرگ شدن طی می کنند . اگر آخوندی بخواهد از آخوند دیگری تعریفی کند میگوید : فلانی را من روی پاهایم بزرگ کردم



دست بزنید ... حاج آقا با عروس خانم تشریف آوردند !

از مسئله دخول بر حیوانات که بگذریم ، به فروزه دیگری در این خصوص که اساس و بنیاد اسلام بر آن استوار بوده و با نادیده گرفتن آن دیگر مذهبی باقی نمی ماند باید اشاره بکنیم : زنبارگی و خانم بازی و لواط . پیش از وارد شدن به این بحث و پنبه محمد و امامان اسلام را زدند ، باید خواننده نوشتار را از مقام زن در اسلام آگاه کنیم . در فرهنگ ریای اسلامی ، سخن راجع به ارزش و مقام زن بسیار گفته میشود . آخوند ها میگویند : زنان غربی عروسکهای برای شهوت رانی مردان هستند و اسلام با حفظ حرمت زنان به آنها شخصیت و اعتبار داد!!!! کدام آدم عاقلی که کمی آگاهی از اوضاع و احوال زن در اسلام را داشته باشد دری وری و مزخرف گوئی آخوند ها را باور میکند . در اسلام زن جز ضعیفه ای ناقص العقل و انسان شماره دو ، حق و حقوق انسانی نداشته است . زن در اسلام چه بصورت عقدی ، چه بشکل صیغه و متعه و چه به عنوان کنیز ، تنها وسیله ارضاء غریزه جنسی مرد مسلمان زنباره قرار گرفته است . تمام احادیث ضد زن در اسلام بخاطر این نوشته شده است که ضعیفه بشکل اطمینان بخش و بی دغدغه ، بدون اینکه مو لای درزش برود ، سرمایه جماع باقی بماند و اظهار وجود نکند هم میهن اگر به گفته ما شک داری ، به سخنان پیامبر زنباره خود ، محمد که حتی یکشب نمی توانست بدون زن صبح کند ، در نهج الفصاحه مراجعه کن : در جهنم نگریستم ، بیشتر ساکنان آنرا زن دیدم !! مجالست با اراذل و گفت و شنود با زنان دل را بمیراند !! اگر زنان نبودند ، خدا چنانکه شایسته اوست ، پرستیده میشد !! زن بصورت شیطان می آید و بصورت شیطان میرود !! از زنان بد به خدا پناه ببرید و از زنان خوب هم بپرهیزید !!! بدترین دشمن تو همسر توست که با او میخوابی و مایملک توست.

زنی که بخود عطر میزند تا مردمان بوی عطر او را بشنوند !!! زنا کار است . پیامبر زنباره اسلام نمی داند بوی عطر شنیدنی نیست ، استشمام کردنی است . فرزندان پسر خود را شنا و تیراندازی آموزید و دختران خود را نخ ریسی !!! زن از دنده ای خلق شده که راستی پذیر نیست و چاره اش تنها طلاق است !!!! ، هم میهن ، خصوصا مادر و خواهر گرانمایه ام ، در اسلام تو مظهر عبودیت حیثیت و انسانیت نیستی . اصولا در این مذهب اهریمنی نشانی از عبودیت و انسانیت نیست که بخواهند برای خام کردن تو ، به تو بچسباندند . امام عقب مانده اسلام ، جعفر سارق در کتاب وسائل ابواب مقدمات النکاح ، باب نوزدهم که آخوند عقب مانده تری از او بنام آیت الله مشکینی در کتاب خودش ازدواج در اسلام ، آنرا کپی کرده میگوید : مردی از قبیله انصار مسافرت کرد و به همسرش گفت : در غیاب من از خانه بیرون نمیروی ! طولی نکشید که پدر زن بیمار شد . زن از پیامبر با فرستادن قاصدی رخصت خواست تا به دیدار پدر بیمارش برود . پیامبر جنایتکار اسلام که با نیت خانه نشین کردن زن پا به عرصه سیاست عربها گذاشته بود گفت : در خانه بنشین و اطاعت شوهر کن ! حال پدر زن سنگین تر شد و این بار نیز پیامبر در مقابل درخواست زن گفت : به تو گفتم در خانه بنشین و از شوهرت فرمانبرداری کن ! پدر زن مرد و زن از پیامبر خواست تا اجازه دهد بر جسد پدرش نماز بگذارد . پیامبر گفت : از خانه خارج نمی شوی ، چون شوهرت چنین خواسته !!! وقتی پدر زن را به خاک سپردند ، پیامبر به زن پیام فرستاد : به پاس فرمانبرداری تو از شوهرت ، پدرت را الله آمرزید !!!!!!! مادرم ، خواهرم ، دخترم چه فروزه نیکی در اسلام بجز خفت و خواری دیده ای که چهار چنگولی این مذهب ضد انسانی را چسبیده ای ؟ چقدر باید فریب ترس از آخرت را بخوری ؟ به چرندیات

آلت الله دستتغیب شیرازی توجه نشان بده که بفهمی جایگاه تو در اسلام
اهریمنی کجاست : یک روز علی علیه السلام با زنش فاطمه به خانه
محمد پدر فاطمه رفتند و دیدند پیامبر گریه می کند ! علت را پرسیدند
پیامبر گفت : به جهنم نگاه کردم ، زنی را دیدم که از موهایش او را
آویزان کرده و مغزش می جوشید !!! زن دیگری را دیدم که از زبانش او
را آویزان کرده اند و در حلقش حمیم جهنم می ریزند !!! یک زن دیگر
هم دیدم که هزارتا مار به بدنش چسبانده بودند !!! زن چهارمی که اصلا
شکل آدم نداشت ! سرش خوک و بدنش بشکل الاغ بود !!!!! فاطمه
منقلب شده و از پدربیمار و روان پریشش می پرسد : این زنها مگر چه
کاری کردند که الله این بلا ها را بسرشان میآورد ؟ پیامبر میگوید : زن
اول موهایش را به نامحرم نشان داده . زن دوم به شوهرش جسارت کرده
و بی ادبی نموده است !!!!!!!!! آن زنی که هزارتا مار به تن او چسبانده
اند ، زنی بوده که نخواستہ مار شوهرش را بپذیرد ! و خدا بجاش هزارتا
مار نیش زن بجانش انداخته !!!!! ما هرچه گشتیم تا در این حدیث بفهمیم
آن زنی که سرش خوک و تنش الاغ بود چکار کرده ، جوابی پیدا نکردیم
و بجاش از قول پیامبر نقل قول میشود که : زنی را دیدم که بشکل سگ
بود و از کونش آتش بیرون می زد و این عقوبت خوانندگی آن زن بوده
!!!!!! این مذهب بیمار با مبلغین پریشان ذهنش چه بلایی دیگر باید سر
زن ایرانی بیآورد تا دو زاری کج آنها بیفتد ؟ آلت الله صدوقی ، شهید
محراب گفته : به دفتر ریاست جمهوری و یا نخست وزیری می رویم ،
می بینیم تعطیل است !!!!! می پرسیم چرا ؟ میگویند دیشب خانم رئیس
جمهور و یا نخست وزیر زایمان کرده ! این برای ما ننگ و عار است
!!!! کسی نیست از این جاکش زن قحبه بپرسد : به دفتر مقام تخمای

رهبری میروی و می بینی دفتر تعطیل است . می پرسی چرا ؟ میگویند
آق سید علی را برای عمل فتقش در بیمارستان خوابانده اند ، ببینم این هم
باعث ننگ و عار است یا خیر ؟

تمام احادیث و خود هجونامه قرآن در کوبیدن مقام زن و خوار شمردن او
مخرج مشترک دارند . آخوند های بی پدر و مادر و هرزه استدلالشان این
است : چون زمان تولید مردان دو برابر زنان است (زنان در پنجاه
سالگی یائسه میشوند ولی مردان تا یکصد سالگی هنوز اسپرم دارند ، پس
بر زن ارجعیت داشته ، مرد میتواند چهار زن بگیرد ولی زن تنها
میتواند یک شوهر داشته باشد . در دین شرمگاهی اسهال ، فروزه دیگری
وجود دارد که دستمایه فیلمسازان در جمهوری اسلامی و یکی از بنیادی
ترین فرامین اسلام است و آن متعه است که به بیشتر صیغه میگویند .



Arash Sigarchi

محسن این عکس را داده و نوشته یک زائر عراقی در یک مهمانخانه مشهد، از زنی صیغه ای
گرفته. چه خبر است؟
بیشتر گاردین گزارش داده بود «نیارت، عذا، سکس و پارک آبی در شهر مقدس مشهد»



آخوند علم الهدی جاکش جنده خانه حضرتی مشهد

صیغه به گفته کاشف الغطا و آخوند زن قحبه دزد هاشمی رفسنجانی : از مهمترین برکات اسلام و جهان تشیع بوده و تنها راه نجات جوانان از معضل جنسی و شق درد است !!! صیغه هم منفعت دنیوی دارد (شکم زن جنده و بچه هایش را سیر و پول مواد شوهر جاکش زن را تامین می کند) و هم منفعت اخروی ! (بنا به گفته آخوند زن جنده مشهدی ، علم الهدی : زنان ایرانی که زیر عربهای عراقی می خوابند ، تبرک شده و

بوی تربت کربلا و حسین تازی خانم بازرگانه جانش را بر سر ناز اورینب زنی که بنا بود ، زن یزید بشود و حسین آن زن را فریب داد ، گذاشت و فدا کرد) دارد.

مادرم ، خواهرم ؛ دخترم این چه دین و شرعی است که از تو می خواهد جسمت را بفروشی ؟ در تمام دنیا ما با فحشاء و پدیده آن مواجه هستیم ولی هیچ ملتی مثل ما ، جندگی را به خدا و مذهب را نمی چسباند . مگر سنی ها اینکار را می کنند ؟ اگر امروز پس از هزار سال دستاربندان زنا زاده تازی پرست کشورمان ، عمر بن خطاب را لعن و نفرین می کنند بخاطر آنست که عمر جلوی متعه و صیغه و فحشای اسلامی ایستاد .
خمینی بی ناموس بیمار در توضیح المسائل خود و در بخش احکام صیغه نوشته : صیغه عقد غیر دائم است که میتواند یکساعت ، یا یکروز یا یکماه و یا یکسال باشد ! زنی که صغه میشود اگر باردار شود ، حق خرجی ندارد ! زن صیغه ارث نمی برد ! اگر مردی زنی را برای یک هفته صیغه کرد و روز دوم ولش کرد ، باید پول یک هفته را بدهد ولی اگر به زن تجاوز نکرد باید نصف پول را بدهد !!!! هم میهن : این سخن دژخیم محمد ، علی است که میگوید : صیغه رحمتی است از ناحیه خداوند بر امت محمد !!!!! براستی که ننگ و شرم بر علی و بازمانده های بیمار و زنباره او باد . اسلام مکتب بیماریهای جنسی است . در هیچ دین و مذهبی عقده بیمار گونه دادن و کردن را نمی توان یافت . در مکتب فکری و مریض آخوند نه نشانی از عشق وجود دارد و نه ظرافت و رمانتیک بودن . برای این حیوانات تنها چیزی که مطرح است جماع است . کار به جایی میرسد که خمینی وژن حیوان صفت عشق بازی با نوزاد و مالیدن صاحب مرده فرد مسلمان به رانهای نوزاد را مشروع وجه و احکام کردن زن شامل پنجاه و یک وجه و احکام تجاوز به

حیوانات هفت وجه دارد . توضیح المسائل خمینی جاکش زن قحبه را بخوانید تا بدانید اگر به کودک شش ساله تجاوز شد و واژن و معقد آن طفل معصوم پاره شد ، اسلام چه میگوید . بخوانید تا بدانید ، اگر پدری اشتباهی عروسش را کرد اسلام عزیز چه میگوید ! بخوانید تا بدانید اگر نعلین زرد به پا کنید ، قدرت جنسی شما برابر ده تا وایگرای مصرفی خواهد بود !!! پس از بررسی احکام دین مبین اسلام ، نوبت به بزرگ زنباره ، خانم باز و لواط کار اسلام محمد ابنه عبدالله دامن برکاته میرسد





محمد ابنه عبدالله در ربیع الاول سال پانصد و هفتاد میلادی که به عام الفیل معروف است (عام الفیل بخاطر آن گفته میشود که ابرهه سردار حبشی تصمیم گرفت تا بت خانه کعبه را ویران تا مرکز تجارت را به صنعا منتقل کند و چون با فیل عازم مکه شد ، اعراب میسر او را عام الفیل خواندند) در مکه متولد شد . او متعلق به قبیله قریش بود که بر مکه و نواحی اطراف آن حکمرانی میکرد . بت خانه اعراب در مکه قرار داشت . پدر محمد ، عبدالله فرزند عبدالمطلب بود . همانطوریکه از نام عبدالله میتوان فهمید که پدر محمد خود را عبد و برده بت بزرگ خانه کعبه الله شناسائی میکرد و محمد هم از نام بت خانه کعبه برای خدای من در آوریش سود جسته است .

عبدالله به سوریه میرود و پس مراجعت بیمار شده و میمیرد . مادر محمد آمنه هم وقتی او شش ساله بود فوت می کند . در پژوهش ریشنامه ای ، کاظم آقا آبدارچی با دقتی عجیب و باور نکردنی ، تیم پژوهش را وادار کرد تا کتب تاریخ نگاران عرب مثل : صیح البخاری ، محمد بن اسحق ، واقدی ، ابن هشام ، ابن سعد ، طبری و مشهور ترین وقیع نگاران غربی

را ورق به ورق خوانده تا چیزی از قلم نیفتد.

آمنه که کوچکترین بوئی از تعلیم و تربیت کودک نبرده بود و سی دی ها و برنامه رادیو همراه دکتر هلاکوئی را نشینده بود و نمی دانست که کودک چه نیاز مبرمی به مادر دارد ، محمد نوزاد را به حلیمه یکی از زنان قبیله بنی سعد می سپارد . حلیمه دو سال محمد را در چادر خود که هر روز از یک نقطه به نقطه دیگری انتقال می یافت نگهداشته و سپس کودک را پیش مادرش میبرد . محمد که مادرش را نمی شناخت ، با گریه و زاری پیش حلیمه بر گشت که البته با استقبال آمنه مواجه شد . محمد چهار سال داشت که بخاطر حملات غش و صرعی که داشت موجب زحمت بسیار حلیمه و شوهرش را فراهم آورد . آنها محمد را پیش آمنه برده و گفتند : ارواح خبیثه در کودک شما حلول کرده . آمنه با ترفند و وعده حلیمه را راضی کرد تا محمد را نگهدارد . کوله در کتاب محمد و محمدیسم خود می نویسد : محمد در زمان طفولیت مبتلاء به غش بوده و افکار و اوهام و تخیلات بی اساس بر کیفیت مغزی او حاکم بوده است . ابن اسحق می نویسد : روزی دوستان محمد خواستند تا او راجع به دوران کودکش بگویند و محمد گفته : روزی من و برادر رضاعی ام از یک گله گاو مراقبت میکردیم که دو مرد سفید پوش که یک طشت طلائی پر از برف به همراه داشتند ، مرا گرفتند ، سینه ام را باز کردند قلبم را خارج و آنرا دو تکه کردند و سپس قلبم را با برف شستند !!! کودکی بیمار که هیچگاه محبت و عشق مادری رانچشید ، با دنیائی از اوهام بزرگ شد تا جهانی را به خاک و خون کشیده و پایه واپسگرایانه ترین ، خون ریز ترین و جاهل پرور ترین دین خدا را را بگذارد . یتیم بودن محمد باعث شد تا در هجو نامه قرآن در بیست و سه مورد در باره یتیم بودن سخن رفته است . در سوره الضحی می خوانید :

آیا تو (محمد) طفل یتیمی نبودی که الله به تو پناه داد . محمد شش ساله بود که مادر بی مهرش آمنه در گذشت . اصولاً وجود یا عدم وجود آمنه در زندگی محمد یکی بود . محمد در مدت شش سال چند بار خانمی را به او معرفی کردند و گفتند : آمنه مادر توست ، همین . ویلیام مویر در کتاب خود ، محمد و اسلام می نویسد : محمد از مدینه به مکه میرفت که در محلی که آرامگاه مادرش بود توقف کرد و گفت : اینجا آرامگاه مادرم آمنه است که از الله اجازه گرفتم تا برای رستگاری او دعا کنم !!!!! سپس خاطرات مادرم در من زنده شد و من گریه کردم . به راستی گریه محمد و اینکه از الله اجازه بگیرد تا برای رستگاری مادرش دعا کند چه معنائی دارد ؟ به نظر کاظم آقا، محمد تا سالها کینه مادرش را به دل داشته که چگونه در سال اول عمر که شخصیت بچه شکل میگیرد و کودک به آغوش مادر و محبت های او نیازمند است ، آمنه آنرا از محمد دریغ کرد کاظم آقا میگوید : مگر میشود مادری شش سال دلتنگ بچه اش نشود ؟ اگر در اسلام کوچکترین حس همنوع دوستی ، رحم و مروت و عشق و عاطفه نیست ، بی دلیل نمی باشد . پس از مرگ آمنه ، سرپرستی محمد به پدر بزرگ هشتاد ساله اش عبدالمطلب سپرده شد . پدر بزرگ پس از دو سال فوت می کند و باز محمد میماند و تنهائی بی کفایتی فرزندان عبدالمطلب باعث میشود که اداره بت خانه کعبه از دست آنها خارج و خانواده بنی امیه زمام امور را بدست گیرند . عبدالمطلب بهنگام مرگ از فرزندش ابو طالب خواست تا هوای محمد را داشته باشد . ابو طالب شبها محمد را در کنار خود می خوابانید . خوابانید (کوله ، کتاب محمد و محمدیسم ، رویه 44) که به نظر آقای دکتر هلاکوئی ، کار درستی نیست . محمد جوانیش را در بازار عکاظ که سه روز راه تا مکه بود میگذارند و به غیر از داد و ستد، با یهودی ها و مسیحیان صحبت میکرد

و اصول یهودیت و مسیحیت را از آنها یاد میگرفت . در این بازار بود که اسقف نجران زیر بنای مذهب کاتولیک را برای محمد حلاجی کرد (مویر ، محمد و اسلام ، رویه 16) . در جنگهای قبیله ای هیچگاه محمد از خود رغبتی برای جنگیدن نشان نمیداد . او حتی در جنگ بین طایفه اش با نگوس ابرهه حاکم حبشه شرکت نکرد و فرار نمود و مدتها دوستان و فامیلش او را مسخره میکردند که باعث شد خانه عمویش ابوطالب را ترک کند . شغل بعدی محمد ، چوپانی بود و او بعد ها گفت : اشتغال من به چوپانی در واقع نشانه رسالت من به پیامبری بود زیرا داود و موسی هم پیش از من چوپان بودند . هم میهن : شده یکبار از خودت بپرسی چرا تمام پیامبران خدا چوپان بودند ؟ چرا امروز در سده بیست و یکم ، مبلقین دین مسیحیت خود را چوپان می نامند ؟ تمرین روی دام های چهار پا ، به هدایت دام های دو پا ختم میشود . بنا به پیشنهاد ابو طالب ، محمد نزد خدیجه رفت تا با کاروان او که عازم سوریه بود همراه شود . خدیجه موافقت کرده و مسئولیت کاروان را به او سپرد . اقدام بعدی خدیجه این بود که مسئولیت های تجاری و مالی را که به عهده میسره نامی بود از او گرفت و به محمد داد . محمد با چک و چانه زدن و دیدن کار چاق کن ها و چرب کردن سبیل آنها ، بر رونق کسب و کار خدیجه افزود . تجارت همراه با کسب ریزه کاریهای دین یهود و مسیحیت راهگشای ترقی او شد . محمد زبل میسره را زیر پر و بال خود قرار داده تا آنجا که میسره کوچکترین احساسی از سلب قدرت خود که پیش از محمد داشت ، نکند . در بازگشت به مکه ، میسره به محمد گفت : پیش خدیجه میروی و گزارش کامل سود معاملات تجاری را به او میگوئی و محمد اینکار کرد و این مقدمه ای شد تا خدیجه چهل ساله که قبلا دوبار ازدواج کرده بود و یک دختر و دو پسر داشت ، زن محمد

بیست و پنج ساله شود . مخالفت های پدر خدیجه که چشم دیدن محمد را نداشت و او را بچه گدا می نامید ، کاری صورت نداد و محمد طعم پول را چشید . خدیجه تا زمان یائسگی برای محمد دو پسر و چهار دختر به دنیا آورد . اولین پسر محمد قاسم نام داشت و بخاطر این به محمد ابوالقاسم یعنی پدر قاسم میگویند . رفاه بیش از حد ، مال و منال ، فکر جاه طلبانه محمد را انگولک میکرد . بنا به دستور کاظم آقا از آنجا که تمام مردم دنیا به شرح شامورتی بازیهای محمد و لرزیدن او در غار حرا و اینکه چه به سرش آمده آگاهند و از فرار او به مدینه مطلع هستند ، از تکرار خود داری کرده و کاوش خود را متوجه زمان قدرتمندی محمد می کنیم .. پیروزی محمد در جنگ بدر بر سپاه قریش (قبیله آبا و اجدادیش) باعث استحکام قدرت او در مدینه شد . قدم بعدی مطیع کردن قبائل یهودی بود . محمد در ابتداء با آوردن آیه پانزده سوره جائیه ، یهودیان را قلم برتر روی زمین معرفی کرد ، تا شاید آنها را خام کند ، ولی یهودیان گول نخوردند . اولین تروریست اسلام ، یعنی محمد ابنه عبدالله ، دستش را به خون شاعره ای بنام عصما دختر مروان که به قبیله اوس تعلق داشت ، آغشت . عصما با اشعارش محمد را به سخره کشیده و او را بی اعتبار کرده بود . مرگ دلخراش عصما باعث شد تا مابقی افراد طایفه اوس برای فرار از جنایات محمد ، اسلام بیآورند . یک ماه از قتل عصما بوسیله عمیر بن ادی و دستور محمد نگذشته بود که محمد دستور قتل ابو عفک از طایفه بنی عمر را صادر کرد . ابو عفک هم با شمشیر خون آلود اسلام گشته شد . طایفه یهودی بنی قینقاع در خارج از شهر مدینه به شغل زرگری اشتغال داشتند . آنها به محمد برای قبول اسلام جواب نه داده بودند . بهانه حمله محمد به آنها و قتل و عامشان بسیار کودکانه و احمقانه بود . یک دختر مسلمان برای خرید جواهر به بازار زرگران

یهودی می‌رود . یک پسر یهودی سر بسر او گذاشته و دامن دختر را با سنجاق به بالا تنه او وصل می‌کند . چند تن که این صحنه را می‌بینند می‌خندند . یک جوان مسلمان عصبانی شده و جوان یهودی را می‌کشد . جوانان یهودی محل ، جوان مسلمان قاتل هم‌ریش و هم‌کیش خود را می‌کشند و خبر به گوش محمد میرسد . محمد هم که منتظر بهانه است با سر نیزه کردن پیراهن عثمان سپاهش را برای نابودی یهودیان بنی‌قینقاع گسیل میدارد . افراد طایفه یهودی بنی‌قینقاع پس از پانزده روز محاصره خود را تسلیم کردند . محمد قصد نابودی تمامی آنها را داشت ولی با وساطت عبدالله ابن ابی که هنوز قدرتمند بود و رهبری منافقین مدینه را به عهده داشت ، به تبعید افراد این طایفه اکتفا کرد . یهودیان مال و منال و ثروت خود را به محمد داده و دست خالی راهی ادریات در مرز سوریه شدند .

در سال دوم هجرت جنایت ناجوانمردانه ای به وقوع پیوست که صفحات سیاه زندگی محمد را قیر گونه کرد و آن قتل کعب بن الاشرف یهودی بود که اسلام آورده و زمانیکه محمد قبله را از اورشلیم به مکه تغییر داد ، از اسلام بریده و دوباره به یهودیت برگشت . دستور قتل کعب بوسیله محمد به محمد بن مسلمه داده میشود و در این جنایت ابو نعیم برادر رضاعی کعب هم شرکت می‌کند . پس از جدا کردن سر کعب از تنش ، آنرا برای محمد پیامبر !!! می‌برند و او می‌گوید : خوش آمدید ، پیروزی شما را شادباش می‌گویم !!!!!!! ویلیام مویر می‌نویسد : آموزشهای مذهبی محمد که بوی خون میداد با روح تعصب آلود اعراب هماهنگی و سازگاری داشت . محمد زیر پوشش مصلحت اسلام و رضای الله اعراب را وادار به هر جنایتی میکرد (ویلیام مویر ، کتاب زندگی محمد ، رویه 248) .

جنایت بعدی محمد در مورد یهودیان ، حمله نظامی به اهالی طایفه بنی النضیر بود محمد در محاصره افراد این طایفه چون مقاومت آنها بطول کشید دست به کاری زد که در تاریخ عرب سابقه نداشت . آتش زدن نخلستانها که در مذهب یهود کار بسیار زشتی بشمار میرفت محمد در مقابل سرزنش اعراب ، آیه پنج سوره حشر را نوشت : اگر شما نخلی را قطع و یا آنرا سرپا نگه میدارید ، همه به امر الله بوده و قطع آنها برای مجازات فاسقین یهودی الزام آور بوده است.



محمد دار و ندار اهالی بنی النضیر را از آنها گرفت که مهمترین آنها اراضی کشاورزی آنها بود . این اراضی حاصلخیز را محمد برای خودش بالا کشید و بجای سوره حشر را تحویل سپاهیان داد : آنچه الله از مال خود !!!!!!! (اراضی یهودیان بنی النضیر) به رسم غنیمت داد ، متعلق به رسول الله است چون شما برای گرفتن این اراضی هیچ اسب و استری نتاختید !!!!!!! جنایات ، دستبرد ها و غرت قبائل یهودی بخش مهمی از زندگی پیامبر اسلام را پر نموده است . اهالی طایفه بنی مصطلق هم فدای جاه طلبی امپراتور جدید عرب محمد ابنه عبدالله شدند . در جنگ بین سپاهیان محمد با اهالی این طایفه ، دویست خانواده یهودی به اسارت در آمدند و کلیه احشام آنها که دو هزار شتر و پنجهزار گوسفند و بز بود به دست محمد افتاد . در کشاکش جنگ ، نگاه هرز محمد به زن زیبائی از اهالی این طایفه بنام جویریہ دختر حارث بن ابودیرار افتاد و از کشتن آنها صریح نظر کرد بشرطی که آن زن با او بخوابد !!! البته این بخشش شامل حال اموال آنها نمی شد . در این سالها محمد هر زن زیبا و هر دخترک ملوسی را میدید به حرمسرایش اضافه میکرد که راجع به این اعمال فیزیکی و فنی در بخش دیگری مفصلا اشاره خواهیم کرد . سال پنجم هجرت از راه رسید .

در ماه ذی القعدة سال پنجم هجری ، طایفه قریش سپاهی گران به سرکردگی ابو سفیان بسوی مدینه فرستاد تا شاید بعد ها جهانیان از نبود وجود شارلاتان بزرگ عرب ، زنباره و جنایتکاری که دنیا را به گوه کشید ، آسوده و نفس راحتی بکشند .

به محض اینکه محمد از این نیت آگاه شد ، ابرو در هم کشید ، چون کار حرمسرایش و رسیدگی به آنها و سفارش و ایگرا به تاخیر می افتاد . محمد بلافاصله موضوع را با یکی از مشاورانش که مثل خیلی ها پشت

به میهن کرده و یوغ بندگی بیگانگان را به گردن انداخته اند ، یعنی سلمان فارسی در میان گذاشت برای آن دسته از خوانندگان ریشنامه که تنها با نام این بی پدر و مادر وطن فروش آشنائی دارند باید بنویسیم : سلمان فارسی از یک پدر و مادر زرتشتی در دهکده جی از توابع اصفهان متولد شد و مثل بسیاری از ایرانی ها که از چاله در آمده و خود را به چاه می اندازند ، به دین مسیحیت گرایش پیدا کرد و در جوانی به سوریه رفت . او در جنگ مقدونیه ، اسیر شده و یک یهودی از طایفه بنی کلب او را می خرد و بعد ها که محمد به قدرت میرسد ، باز دین عوض کرده و این بار اسلام می آورد و میشود مشاور محمد در امر کپی کردن قرآن از فرامین زرتشتی و مشاور جنگی او . محمد ماجرای لشکر کشی ابو سفیان را به سلمان میگوید و او سفارش می کند که دور مدینه را خندق بکنند .

محمد به رئیس طایفه بنی قریظه ، کعب بن اسد میگوید : هر چه بیل و کلنگ و زنبیل برای حمل خاک دارد بدهد و کعب اینکار را می کند . خندق در مدت 6 روز کنده میشود . لشکر 3 هزار تنی محمد اینور خندق و لشکر 10 هزار تنی ابوسفیان آنور خندق موضع میگیرند . خیمه ای نیز با چرم قرمز بیرون مدینه برای زنباره عرب آماده می کنند تا در آن عایشه ، امه سلمه و زینب برای ماساژ پیامبر و رفع خستگی او پس از هر بار جنگیدن !! بیایند . سپاه ابوسفیان پشت خندق ایستا شد ، خندقی که تا آن روز ندیده بودند . ابوسفیان با فرستادن مردی یهودی بنام حیه نزد کعب بن اسد ، موافقت او را برای اتحاد با خود جلب کرد . این خبر وقتی بگوش محمد رسید ، خواب شومی برای طایفه بنی قریظه دید . محمد از آنجا که باور داشت : جنگ چیزی به جز نیرنگ و فریب نیست ! (ابن اسحق ، کتاب سیرت رسول الله ، رویه 676) ب فکر افتاد که چگونه

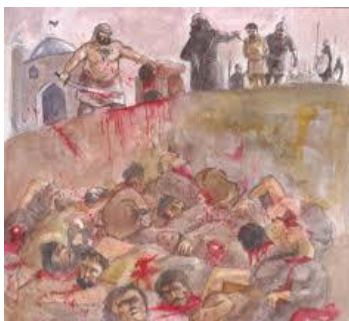
اتحاد بین ابوسفیان و کعب را بهم بزند . او فردی بنام نعیم بن مسعود را نزد کعب بن اسد فرستاد و به او دیکته کرد که بگوید : اگر ابو سفیان به هر علتی تو و طایفه بنی قریظه را تنها بگذارد ، آن وقت تو با محمد و لشکریان آن چگونه میتوانی مقابله کنی ، بنابراین به ابو سفیان بگو ، تعدادی از سربازانش را جهت احتمالات بعنوان گروگان نزد تو بگذارد . کعب این نظر را پذیرفت . نعیم بلافاصله پیش ابو سفیان رفت و به او گفت : کعب بن اسد با محمد بیعت کرده و توبه کرده است . او می خواهد تعدادی از سربازان تو را گرفته و به لشکریان محمد اضافه کند . دسیسه محمد دغلكار و مكار كارساز شد و اتحاد بين ابو سفیان و کعب بن اسد مالید . دو مین نامردی و حيله توسط دژخیم محمد ، علی صورت پذیرفت . در جنگ تن به تن بین علی و عمرو ، علی به عمرو گفت : این رسم جوانمردی نیست که من پیاده باشم و تو سواره . عمرو ابله از اسب پائین آمده و با شمشیر دست حیوان زبان بسته را قطع می کند که بله !!!! من از اسب استفاده نمی کنم . علی هم با پاشیدن یک مشت خاک به چشم عمرو ، ترتیب او را داد . شرایط جنگی برای قریشیان سخت شده بود و کمبود علوفه نیز احشام آنها را در خطر مرگ قرار داده بود که طوفان شن شدیدی در گرفت و باعث آن شد که ابوسفیان دستور عقب نشینی صادر کرده و بسوی مکه برگشت . محمد زبل و شیاد ، طوفان شن را خواست الله دانسته و عرب خرد گم کرده را فریفت . حالا نوبت طایفه بنی قریظه رسیده بود . محمد و لشکریانش این طایفه را محاصره کردند و اهالی طایفه پس از سه هفته تسلیم شده و سرنوشت خود را به دست طایفه اوس سپردند که بین آنها و محمد میانجی گری کرده بود . اسرا از مقابل محمد رژه رفتند که چشمان هیز و خانم باز پیامبر به ریحانه زن زیبای یهودی افتاد . محمد ریحانه را از صف خارج کرده و او را

یکراست به حرمسرایش فرستاد . تمام اموال طایفه بنی قریظه ضبط شد .

سرنوشت اهالی این طایفه به سعد بن معاذ سپرده شده بود که از محمد فرمانبرداری داشت . نوچه محمد رایش را بدین گونه که خواست اربابش بود اعلام کرد : تمام مردان قبیله بنی قریظه اعدام ، زنان و کودکان اسیر و اموالشان بین لشگریان محمد تقسیم شود . شارلاتان جنایتکار اسلام گفت :

رای سعد بن معاذ از سوی الله و از آسمان هفتم به وی الهام شده !!!!! و کسی در آن موقع نپرسید : جاکش دروغگو تو که پیامبر الله هستی با واسطه جبرائیل حرفهای او را می شنوی ، حالا چطور شد که الله از آسمان هفتم مستقیماً با سعد بن معاذ ارتباط برقرار کرده ؟ بهر حال پس از این دسیسه خون بار مردان طایفه بنی قریظه را در گروه های 5 تا 6 نفری کنار گودال بزرگی که کنده بودند ، آوردند و آنها را گردن زدند . زنی بنام حسن القرطی وقتی دید شوهرش به دست محمد کشته شد ، از پیامبر اسهال خواست تا او را هم بکشد و محمد با خوشروئی !!! دستور داد گردن او را هم بزنند . در یک روز محمد و دژخیم او علی گردن 800 تن از مردان طایفه بنی قریظه را زدند . (مویر ، زندگی محمد ، رویه 319) . از بین هزار زن اسیر طایفه بنی قریظه ، آنهایی که جوان و زیبا بودند ، بین دوستان پیامبر و سربازان او تقسیم و مابقی را برای فروش به طوایف نجد فرستادند .

میراث شوم محمد در هزاره سوم میلادی



دژخیم محمد ، علی و نسل کشی طایفه بنی قریظه





پس جنایت هولناکی که محمد مرتکب شد ، ده ها آیه در تائید کار او نازل شد !!!

سعد بن معاذ ، پس از رای جنایتکارانه محمد که به او دیکته شده بود و پس از دیدن قتل و عام 800 تن ، حالش به وخامت گرائید و مرد . مراسم خاکسپاری او همراه با دنیائی از ریا و حيله و شارلاتانسیم است . اینکه 7000 فرشته زیر تابوت او را گرفته اند !!!!!!! و اینکه هنگام دفن ، قبر او تنگ شده و بلافاصله به دستور الله گشاد شده و مزخرفات دیگر که تنها از مغز علیل محمد و پیروانش تراوش می کند و صرفا جنبه خر کردن و فریفتن دارند . محمد تا پیش از مرگ روزانه و شبانه تنها دو کار داشت . روزها جنایت و شبها عملیات فنی و خستگی در کردن !!!!طایفه های یهودی یکی پس از دیگری تسلیم محمد شدند و روزی رسید که پیامبر شاه عرب یک امپراتوری تمام عیار را تشکیل داد . بدون شک از محمد به عنوان زنباره بزرگ اسلام یاد می کنند . اشتهای سیری ناپذیر او به سکس از او یک حیوان حشری ساخته بود . او یک خانم رئیس مجازی بنام الله ساخته بود که دست او را در زمینه خانم بازی باز باز بگذارد . سوره احزاب ، آیه 50 : محمد تو میتوانی با هر زنی که خودش

را به تو ببخشد !!!!!!! هم خوابگی کنی . این زنان ملک تو هستند !!! بر
وجود تو در امر نکاح هیچ حرج و زحمتی نیست !!!!!!!

در یورش به طایفه بنی النضیر ، زن زیبای بیست ساله ای بنام جویریہ
نصیب ثاقب بن قیس بن الشماس شد و او 200 اونس طلا برای فروش او
منظور داشت . پیامبر زنباره اسهال با پرداخت این مبلغ ، جویریہ را به
عنوان زن هشتمش به حرمسرا فرستاد . در جریان نسل کشی طایفه بنی
قریظہ ، چشم پیامبر به ریحانہ زن زیبای یهودی افتاد که شوهرش را
کشته بود . همان شبی که این جنایت اتفاق افتاد ، محمد ریحانہ را به
رختخواب میبرد و به او پیشنهاد می کند که او را گرفته و جزو همسرانش
در حرمسرا نگهداری می کند که ریحانہ قبول نکرده و به بردگی تن در
میدهد . ریحانہ یکی از اسیران و کنیزان محمد بود که پیامبر چسلام
مرتب او را آزار میداد . ریحانہ در بیست و پنج سالگی فوت می کند .
در جنگ خیبر که کنانہ بن ربیع رئیس طایفه خیبر به دست محمد و زیر
شکنجه به قتل رسید ، محمد به قصد تصاحب همسر جوان و هفده ساله او
صفیہ خیز برداشت . بلال حبشی صفیہ را پیش محمد میبرد و محمد به او
میگوید : شوهر تو دشمن من بود و الله او را کشته است !!!!!!! یا با من
ازدواج میکنی یا تو را به عنوان برده می فروشم !!!!!صفیہ به عنوان
دهمین زن محمد وارد حرمسرایش شد .





از دواج پیامبر زنیاره اسهال با صفیه درست همان شبی که کنانه بن ربیع شوهر صفیه به قتل رسید ، ثابت می کند که برای مملی کوچولو هیچ قاعده و قانونی مثل رعایت عده (زمانیکه زن از همسرش جدا شده و یا شوهرش را از دست داده و نباید با او نزدیکی کرد) معنا و مفهومی ندارد . با ورود صیفه به حرمسرای محمد حال عایشه ، زینب ، حفصه و جویریة گرفته شد . اوج هرزگی و خانم بازی محمد را در تصاحب همسر پسر خوانده اش زینب باید جستجو کرد . روزی محمد به خانه زید ، پسر خوانده اش میروود و زن او را که مشغول پاک کردن لپه بود می بیند . ممل کوچولو بیدار شده و شیهه می کشد . محمد از پسر خوانده اش می خواهد تا زنش را طلاق بدهد و سپس او را به جنگ می فرستند تا کشته شود !!! البته خانم رئیس محمد ، الله هم بیاری او آمده و چپ و راست سوره و آیه نازل می کند که تمام کسانی که هجو نامه قرآن را خوانده و یا نخوانده باشند ، لا اقل از ماجرای زید و محمد و زینب آگاه هستند . اوج جفنگ بودن قرآن را در آیه 40 سوره احزاب میتوانید بخوانید . تا دیروز اسم زید بود : زید بن محمد ، ولی با نعوظ آیه 40 : محمد هیچگاه پدر مردان شما نیست و او رسول خدا است ، اسم او شد زید بن حارث !

پس از این ازدواج شرم آور بود که عایشه متوجه شد که نبوت ، یعنی کشک !

در آزادی بدون حد و مرز جنسی محمد به 29 زن عقدی او اشاره می کنند . زن و سکس او برای پیامبر اسهال ، آنقدر مهم بوده که 17 آیه از آیات هجو نامه قرآن تنها به زنان محمد اختصاص دارد . ملا محمد باقر مجلسی در کتاب حیات القلوب ، رویه 600 می نویسد : پیامبر می توانست با هر تعداد زن که مایل بود ، ازدواج کند ! او میتوانست با دختران عمو ، عمه ، دایی و خاله و هر زن مسلمان دیگر بدون دادن مهریه بخوابد !!! در سوره احزاب ، آیه 50 : الله شش نوع زن را برای پیامبر زنباره اش توصیه می کند : زنانی که مهرشان را به محمد بخشیدند . کنیزانی که الله به عنوان غنیمت جنگی به محمد پیشکش کرده . دختران تمام فامیل . خانم هائیکه داوطلبانه برای دادن به محمد آفر میدهند . این احکام تنها خواست توست و به دیگر مسلمانان تعلق نمی گیرد !!! موارد بعدی عبارتند از : زنانی که در لیست ازدواج قرار داشته و عمر پیامبر به آنها اجازه نداده است . کودکانیکه بنا بوده پس از چند سال که به سن بلوغ رسیدند ، زن محمد شوند (عایشه استثناء بوده است) و زنانیکه با محمد ازدواج کرده ولی نوبت حمله رفتن آنها پیش نمی آمده !!!!!!

لیست زنان عقدی و رسمی محمد :

خدیجه ، دختر خوویلید که 24 سال زن محمد بود و در سن 64 سالگی فوت کرد .

سوده ، دختر حمزه ، وقتی زن محمد شد سی سال داشت . شوهر سابق او سکران بن عمرو بود .

عایشه ، دختر ابو بکر ، سومین و سوگلی محمد . پیامبر ، عایشه 6 ساله را نامزد و زمانیکه او 9 سال و خودش 53 ساله بود با او ازدواج کرد . عایشه در سن 70 سالگی و در زمان خلافت معاویه فوت نمود . در زمان خلافت عمر زنان محمد ده هزار و عایشه بیست هزار درهم در ماه مستعمری دریافت میکرد (کوله ، محمد و محمدیسم ، رویه 491)



آخوند های شیعه مخالف عایشه هستند و ملا محمد باقر مجلسی در تمام کتابهایش هر وقت که از عایشه نام برده از او به عنوان ملعونه یاد کرده است . با در نظر گرفتن اینکه ، عایشه محبوب ترین زن محمد و ابو بکر ، پدر عایشه بهترین دوست و یار محمد بوده می بینیم که ملا های شیعه برای تامین منافع شخصی و طبقاتی خود ، خواست های محمد را ندیده و به آنها توهین می کنند . درست عین این ماجرا در مورد عمر هم صادق است که هر سال جشن عمر سوزان می گیرند .

حفصه ، دختر عمر بن الخطاب . حفصه 18 ساله بود که زن محمد شد . شوهر سابق او خنیس بود که در جنگ بدر کشته شده بود .

امه سلمه ، دختر المقیره . او 29 ساله بود که پس از مرگ شوهرش ابو سلمه بن ابولاسد در جنگ احد ، زن محمد شد .

زینب ، دختر خزیمه که در سی سالگی ، پس از دو ازدواج نا موفق زن محمد شد و چند ماه پس از ازدواج با پیامبر مرد .

جویریة ، دختر حارث رئیس طایفه یهودی بنی مصطلق که در بیست سالگی به اسارت محمد در آمد و مجبور شد از شوهرش ابن ذوالشفر جدا شود .

زینب ، دختر جحش که دختر خاله محمد بود . شوهر او زید پسر خوانده محمد بود . زینب زمانی که زن محمد شد ، 38 ساله بود . محمد شوهرش را به جنگ فرستاد تا کشته شود !

رمله (امه حبیبه) ، دختر ابو سفیان که شوهرش عبدالله بن جحش بود . رمله پس از مرگ همسرش در سن 38 سالگی زن محمد شد .

صفیه ، دختر حی بن الخطاب . او از طایفه یهودیان بنی النضیر و شوهرش کنانه بن ربیع بود که در شبی که روزش ، محمد شوهرش را کشته بود با پیامبر اسهال به حمله رفت .

میمونه ، دختر حارث . او خواهر عباس ، عموی پیامبر و زن ابوزبره بود که در 27 سالگی با محمد ازدواج کرد .

ماریه قبطیه ، دختر شمعون . او از محمد باردار شده و پسری بنام ابراهیم برای او به دنیا آورد . ابراهیم وقتی دوساله بود مرد . ماریه به این سادگی ها زن محمد نشد . او برده ای بود که مقوقس پادشاه مصر به رسم تحفه برای محمد فرستاده بود . یک روز که حفصه سر زده وارد خانه میشود ، محمد را روی ماریه می بیند که مشغول تلمبه زدن است ، عصبانی شده و محمد که هوا را پس می بیند ، سوگند می خورد که ماریه را بر خود حرام کند . محمد از حفصه می خواهد تا سکوت کرده و بجای آن قول میدهد که پس از مرگ من ابوبکر و عمر به خلافت رسیده و سر علی بدون کلاه خواهد ماند . محمد سوگند میخورد ، ولی از آنجائیکه الله نمی تواند حریف مملی کوچولو شود ، سوره تحریم و آیه اول آن نازل

میشود : ای پیغمبر برای چه ، آنرا که خدا بر تو حلال کرده ، برای
خشنود کردن دیگر زنان ، بر خود حرام کردی !!!! به دنبال این آیه ،
محمد برای تنبیه زنان و چشم زهر گرفتن به مدت یکماه هر شب پیش
ماریه می خوابد (در این یکماه هیچ آیه ای نازل نمی شود) .

ریحانه ، دختر زید از طایفه یهودیان بنی النضیر که با زید از طایفه بنی
قریظه ازدواج کرد . در یورش محمد به طایفه بنی قریظه ، زید کشته
شده و محمد زن او را همان شب به رختخواب کشاند .

عصما بنت نعمان ، محمد در سال نهم هجرت این زن را به عقد خود در
آورد ولی فرصت آنرا نکرد تا با او بخوابد . این زن فریب عایشه و
حفصه را خورد و شب عروسی برای محمد طاقچه بالا گذاشت و محمد
او را به خانه پدرش فرستاد .

قوتیله ، دختر قیس و خواهر اشعت بن قیس که علیه ابوبکر شورش کرد
. بنا بود که محمد با او به حمله برود که ذات ریه (پنومونی) امانش
نداد و در دامن عایشه مرد .

ملائکه ، دختر کعب . محمد در رمضان سال هشتم با او ازدواج کرد .
بنت جندب ، دختر دمره

فاطمه ، دختر صحاک ، این زن بسیار مادی بود ، از این روی چون
محمد یک رگه اسکاتلندی داشت و بسیار خسیس بود ، او را طلاق داد .
الله فضول که همواره هوای پیامبرش را داشت با نعوذ آیات 28 و 29
سوره احزاب نقش خود را به بهترین وجه ایفا کرد : ای پیغمبر به زنان
خود بگو ؛ اگر شما طالب زیب و زیور هستید ، بیآئید تا من ، مهر شما
را داده و طلاقتان بدهم !!!!

ملا محمد باقر مجلسی در حیات القلوب رویه 597 نوشته : فاطمه پس از طلاق از محمد ، برای سیر کردن شکم خود ، در کوچه ها فضله شتر جمع میکرد !!!!!!! (درسی باشد تا زنی با محمد و خانم رئیس او در نیفتد !)

عمره ، دختر یزید که این طفلک را محمد طلاق داد ، چون مبتلاء به جذام شده بود . (در مورد بیماری و اینکه اگر زنان محمد مریض شدند و او باید آنها را طلاق بدهد ، آیه ای پیدا نکردیم . به نظر میرسد محمد سر خود و بدون آگاهی الله ، دست به اینکار انسانی !!!!! میزده است)

عالیه ، دختر زبیر . معلوم نیست چرا محمد این زن را طلاق داده ، چون نه مریض بود و نه مادی گرا . شاید نقص در سرویس دهی بوده ؟

سبا ، دختر سفیان . علت طلاق ؛ نامعلوم

نشاه ، دختر رفیعه . علت طلاق ؛ بوی بد دهان

قضیه ، دختر جابر . این زن به امه شریفه معروف بود و در هجو نامه قرآن سوره احزاب ، آیه 50 راجع به او صحبت شده است : محمد با زن مومنه ای که از تو مهر نخواهد و تو نیز مایل به نکاح او هستی ازدواج کن !!!!! این زن بدون مهر پیش محمد دامن برکاته خوابید و شد امه شریفه !

فاطمه ، دختر شوره . جزئیات ازدواج این زن در اداره ثبت مدینه شفاف نیست . به نظر می آید ، صیغه ای بوده است .

صنعا یا سبا ، دختر سلیم . عقد کرده جناب محمد که نوبت نکاح به او نرسید .

الشنبا ، دختر عمر . از طلاق داده های محمد بخاطر اینکه پیامبر فکر کرد او در مرگ پسر دوساله اش ابراهیم که از ماریه داشت ، سهم داشته

خوله ، دختر الحوکیل . زن عقدی محمد که این بار پیامبر در لیست انتظار او ماند و نوبتش نرسید . پیش از آنکه محمد با او بخوابد خوله مرد .

شرق ، دختر خلیفه . این زن خاله خوله بود . وقتی محمد برای چیز کردن خوله به خانه اش مراجعه کرد و دید او مرده ، ترتیب خاله اش را داد و خاله جزو زنان عقدی محمد شد .

خوله ، دختر حکیم از طایفه عبدالشمس .

حبیبه ، دختر سهل از انصار

لیلی ، دختر خاتم از انصار که بنا به گفته ملامحمد باقر مجلسی ؛ گرگ او را درید ! این آخوند یاوه گو اشاره به مرتبه و مقام گرگ نکرده است !

امه هانی ، دختر ابیطالب از طایفه قریش

امه حبیب ، دختر العباس از طایفه قریش

دوبه ، دختر امیر از طایفه سعسعه

صفیه ، دختر بشامه از طایفه تمیم

عمار ، دختر حمزه از طایفه قریش

شینیا ، دختر سالت . این طفلک را آرایش کردند که او را به حجله بفرستند که خبر مرگ محمد را برایش آوردند .

تکانه ، برده سیاه پوستی بود مشابه ماریه که پادشاه مصر به او پیشکش کرد و جزو زنان عقدی محمد در آمد .

بنت ابی الجون ، دختری از قبیله کنده که بخاطر طعنه زدن به محمد از نعمت خوابیدن با زنباره اسهال محروم شد .

آخوند کلینی مینویسد : قدرت جماع پیامبر ، چهل برابر مردان بود . محمد هر شب دست کم با 9 تن از زنهایش جماع میکرد (!!!!!!!!!!!) (حیات القلوب ، رویه 599).

کاظم آقا آبدارچی می نویسد : محمد عجب حافظه ای داشت که میتواند نام این همه زن را بخاطر بسپارد .

نکته غم انگیز برای زنان بیشمار زنباره اسهال این بود که کسی حق نداشت پس از محمد به زنان او دست بزند .

لطفا یکی پیدا شود و به تیم تحقیقاتی کاظم آقا بگوید ، مگر میشود از روان پریشی که روزها آدم میکشت و شبها با 9 زن می خوابید انتظار آدم بودن داشت ؟ محمد ، حیوان بیماری بود با عقده و کمپلکس های روانی فراوان که دنیائی را به ورطه سقوط اخلاقی ، واپسگرائی و خشونت انداخت و برای جهانیان زندگی در سایه ترس را پیش آورد .

سئالات بخش اول و دوم برای بردن دو کیسه برنج پری و یک شیشه روغن هسته انگور

سؤال اول : زن سوم پیامبر چه نام داشت

الف : حفصه

ب: سوده

ج: رمله

د : عایشه

سؤال دوم : فرزند محمد بنام ابراهیم که در دو سالگی مرد از کدام زن زاده شد

الف : خدیجه

ب : ماریه

ج : زینب

د : امه سلمه

سؤال سوم : محمد شوهر چه کسانی را کشت و با آنها خوابید

الف : ریحانه

ب : صفیه

ج: جویریہ

د: تمام موارد بالا

سؤال چهار : کدام یک از افراد زیر توسط محمد ترور شدند

الف : عصما دختر مروان

ب: ابو عفک

ج : کعب بن الاشرف

د: تمام موارد بالا

سؤال پنجم : در هجو نامه و سکس نامه قرآن ، چند آیه اختصاص به زنان محمد دارد

الف : 1700 آیه

ب : 17 آیه

ج : 170 آیه

د: هیچکدام

در ادامه بحث و تحقیق راجع به دون ژوان های اسلامی ، لازم دیدیم تا نظر برخی از بزرگان عالم را راجع به خروس اسهالی (محمد ابنه عبدالله) جويا شويم

دیدرو : محمد بزرگترین دوست زنان و بزرگترین دشمن عقل سلیم است

مونتگمری وات : هیچ یک از مردان عالم بیش از محمد مورد انتقاد و بد گوئی واقع نشده است .

ولتر : محمد هیچ چیز تازه ای نیآورد جز شقاوت و ظلم . او یک تبهکار بود .

تور آندره : محمد از صداقت و پارسائی بهره ای نداشت . او با ترفند و حيله به قدرت رسيد . محمد خود درون گرا بود و صراحت و شجاعت اخلاقی در او مشاهده نمی شد .

گوستاو ویل : محمد فاقد سلامت فکر بود .

الویز اسپرنگر : محمد علاوه بر صرع از ناراحتی روانی هیستری نیز رنج میبرد . ویلیام مویر : محمد پیامبری دروغین بود . او مردی بود که از رحم و شفقت بویی نبرده بود . در جنگ با دیدن اجساد تکه تکه شده دشمنانش به وجد می آمد

مارگو لیوت : محمد یک افسونگر بود .

تئودور نولد که : محمد زیر فشار حمله های عصبی فکر میکرد به او وحی میشود .

دوگوبرت رن : محمد از چهار سالگی به بیماری صرع دچار بود و در جوانی این بیماری به شکل شدید تری بروز کرد . باید پرسید چرا یک جوان 25 ساله باید با یک زن زشت چهل ساله ازدواج کند ؟

Dogobert D. Runes : Philosophy for Everyman p.64

محمد یک کاروان زن و دزد بود ، به دهات حمله میکرد ، انسانها را می کشت . اموال آنها را غارت میکرد . به زنان اسیر تجاوز میکرد . نخلستانهای دشمنانش را آتش میزد . او دست و پای دشمنانش را قطع میکرد ، چشمهای آنها را از حدقه در می آورد و در بیابان آنها را رها میکرد . بیرحمی های محمد بی انتهاست . محمد می گفت : تنها لذت من در این دنیا سه چیز است : زن و عطر و عبادت که من به سومی آن شک دارم .

کوله : محمد مرتکب سه گناه نابخشودنی شده است . اول – در فرهنگ قومی اعراب ، ازدواج با زن اسیری که شوهرش در جنگ کشته شده باشد تا سه ماه جایز نبوده . محمد شب همان روزی که مردی را کشته ، زنش را به رختخواب میبرد . محمد این قاعده را زیر پا گذاشت . دوم – غارت کاروانها و کشتن افراد در ماه های حرام صورت نمیگرفت ، ولی محمد این رسم را زیر پا گذاشت . سوم – ازدواج با زن فرزند خوانده در بین اعراب پیش از اسلام نامشروع بود و محمد آنرا نادیده گرفت .

ویلسون کش : شرارتهای بیرحمانه ای که ترک های مسلمان در خصوص زنان ارامنه مرتکب شدند ، تقلید کامل آنها از عملیات پیامبر اسلام بود .

راجع به مرگ محمد به تفسیر طبری ، جلد پنجم ، رویه 1335 و دفتر زندگانی حسین ، نوشته محمد حسین هیکل ، رویه 530 مراجعه کردیم و آنرا بسیار جالب

یافتیم . وقتی محمد 63 سال داشت ، سنبش برای یک زن شوهر دار یهودی بلند

شد اسم این فرد یهودی سلام بن مشکم بود . محمد پس از کشتن سلام و خانواده او ، زنش را به رختخواب برد و زن به خونخواهی همسر و خانواده اش به پیامبر خدا زهر داده و او را می کشد . موقع زهر دادن ، خبری از جبرائیل نبود ، همانطوریکه وقتی عایشه با صفوان بن معطلی در بیابان حال میکردند و 24 ساعت بعد به خانه برگشتند ، جبرائیل به مرخصی رفته بود .

از محمد به عنوان دشمن شماره یک سگ یاد می کنند . در توضیح

المسائل شجاع الدین شفا رویه های 775 و 785 می خوانید ، علی

میگوید : رسول الله مرا به مدینه فرستاد تا تمام سگ ها را بکشم !!!!!

هم میهن : هیچ کیش و آیینی در تمام درازنای تاریخ بشر ، جایگاه زن را در خانواده و اجتماع به اندازه اسلام پائین نیاورده است . اسلام از زن کالائی مشابه قابلمه و کفگیر ساخت . اسلام از زن کارخانه جوجه کشی ساخت . اسلام از زن موجودی ساخت که مرد مسلمان آب کمرش را در واژن او خالی کند .

هم میهن : زن ها پیش از محمد در عربستان وضعیت بهتری داشتند . نمونه بارز آن خدیجه بود . زنو بیا ملکه پالمیرا بر طوایف عرب حکمرانی میکرد . هند زن عرب در جنگ شرکت میکرد و او بود که جگر عموی محمد را از سینه اش در آورد و خورد . پیش از محمد ، عربی با زور دخترش را به کسی نمی داد . محمد زنباره هوس ران با خوار کردن زنان به امیال حیوانی خود رسید .

زن در اسلام موجود تیره روزی است که برده زایش می یابد ، اسیر زندگی می کند و محروم از دنیا میرود . مادرم ، خواهرم و دخترم آیا براستی خواست تو خفت و خواری است ؟



آیا زنبارگی مسعود رجوی و تشکیل حرمسرا در هزاره سوم ، یادگار شوم پیامبر اسهال نیست که به این جنایتکار خانم باز رسیده ؟ آیا زنان مجاهد که تن به خفت داده و خود را بی ارزش کرده اند ، تابع خواست های بیمار گونه مسعود رجوی که درست قدم در جای پای محمد گذاشته نیستند ؟ مسعود رجوی زمانیکه دست در دست صدام حسین گذاشته بود دستور داد تا تمام مجاهدین از همسرانشان جدا شوند و کودکان آنها را گرفته و به کمپی نزدیک بغداد فرستاد و گفت : اگر شما زن یا شوهر و یا کودک داشته باشید ، نمی توانید رهبر را عاشقانه دوست بدارید !!!!!!!!
 آیا این گفته را که پس از 1400 سال می شنویم ، عملکرد و خواست محمد نبود ؟ اگر پیامبر زنباره اسهال ، پس از خدیجه تنها با یک زن ازدواج میکرد و به سبب حسادت دیوانه واری که نسبت به زنانش داشت ، آنها به کنج خانه نمی فرستاد و پوشیدن سر و روی و بدن را اجباری نمیکرد ، زنان مسلمان امروز شرایط بهتری داشتند .

علی ابنه ابی طالبی دژخیم محمد



فرتور بزرگ شده علی توسط ایرانیان



فرتور واقعی علی

دون ژوان دیگر اسهال ، دژخیم محمد ، علی بود . علی زنان به دست آمده از جنگ و کنیزان بسیاری داشت که چون شمارشان آنقدر زیاد بود ، حتی آنها را نمی شناخت . بازده چنین کاری ، آن شد که هیچگاه مادر سه فرزند او به نامهای عثمان ، عباس و جعفر هرگز شناسائی نشدند . هیچ تاریخ نویسی به این نکته اشاره نکرده که مادر این سه کودک چه کسانی بوده و در کجا و چه زمانی از علی باردار شده اند . (کتاب معصوم دوم ، رویه 292 و منتهی الامال جلد اول رویه 246) .

از کنیزان خریداری شده علی ، یکی خوله دختر حنیفه مادر فرزند او ، محمد حنیفه است که پیروان مذهب کیسانیه او را مهدی صاحب الزمان می شناسند . علی این کودک را جزو فرزندان راستین خود نمی دانست ، از این روی نام مادر را روی او گذاشتند . کنیز خریداری شده دیگر علی ، صهبا ثعلبیه از کنیزان خالد بن ولید بود که علی از او خوشش آمد و به مبلغ چهل دینار او را خرید . دژخیم محمد پس از مرگ فاطمه دختر محمد ، چنان شاد شد که در سومین روز پس از مرگ فاطمه برای اینکه از مرشد زنباره و جنایتکارش محمد ، عقب نیفتد با امامه دختر خردسال زینب به حجله رفت . امامه ، همبازی حسین ، پسر علی بود . وقتی علی به دست بن ملجم کشته شد ، چهار زن عقدی ، 18 ام ولد (زنانی که برای علی فرزند به دنیا آورده بودند) و بینهایت کنیز داشت که این دژخیم وقتی می خواست با آنها بخوابد ، نامشان را هم نمیدانست . (دفتر تاریخ آل محمد نوشته زنگه زورلی ، پژوهشگر معروف ترک ، رویه 205)
عماد زاده در کتاب زنان پیغمبر اسلام نوشته ، امامه آنقدر کوچک بود که خاک بازی میکرد . با این حساب او کوچکتر از عایشه بوده است . علی پیش از آنکه ، محمد بقدرت برسد ، جزو فقیرترین مردم مکه بود که با دلگیری و باربری و آب حوض کشی شکمش را سیر میکرد (منتهی

الامال قمی ، جلد اول ، رویه 211) این دون پایه پس از رسیدن به قدرت به چنان ثروتی دست یافت که گروهی برده و غلام او شدند ، منجمله : سلمان فارسی ، پشت به ایران کرده جزو غلامان علی بود . پست سلمان دربانی از خیمه علی بود (منتهی الامال قمی) او به غیر از سلمان 5 بادی گارد بیست و چهار ساعته و 7 حسابدار داشت که به کارهای مالی او میرسیدند . علی جنایتکار ، غارتگر و دزد را آخوند های زنا زاده تازی پرست و ملت خرد گم کرده ما به مقام خدائی رساندند که جای شرم و ننگ بسیار دارد . دیدگاه این زنباره خون خوارنسبت به زنان ، درست مثل دیدگاه محمد بود . وقتی دیدگاه علی را نسبت به زنان می خوانم ، آه از نهادم بلند میشود که بیشتر این زنان هستند که سنگ این عرب خون ریز را به سینه میزنند . برایش سفره پهن می کنند و مولودی میگیرند . ملت مسخ شده و خواب رفته ما یکماه رمضان را برای این عرب نتراشیده و نخراشیده که همواره از شمیشرش خون جاری بود ، عزاداری کرده و به خود گرسنگی و تشنگی میدهند .

مردمی که در زمان معاویه ، علی و عمرو عاص زندگی میکردند ، این سه تن را پلید و آشوبگر و بر هم زننده آسایش همگان شناسائی کردند و در نشستی پنهانی تصمیم به نابودی آنها گرفتند . شب 19 رمضان برای اینکار مشخص شد . ابن ملجم مرادی خواستار به قتل رساندن علی ، دادویه خواستار کشتن عمر و حجاج بن عبدالله خواستار نابود کردن معاویه شد . بن ملجم به کوفه ، دادویه به مصر و حجاج به شام رفته تا کار این سه ظالم و ستمگر را یکسره کنند . در این میان تنها بن ملجم توانست کارش را انجام دهد . عمرو عاص به مزگت نرفت و بجای خود خارجه پسر حبیبه را فرستاد که او را بجای او کشتند . معاویه زخمی شد و توانست جان سالم بدر ببرد . فکرش را بکنید اگر بجای علی ، عمرو عاص

و معاویه کشته میشدند ، آخوند های شارلاتان و هفت خط چه داستان سرائی هائی راجع به معجزه زنده ماندن دژخیم محمد بخورد ملت خرد گم کرده ما میدادند . ابن ملجم به دستور حسن ، پسر علی و دومین امام اسهال به شیوه زیر کشته شد : نخست دست و پای او را بریدند ، سپس میخی داغ در چشمانش فرو کردند . بعد او را در بوریائی پیچیده و آتش زدند . هم میهن : قانون بربرگونه قصاص اسلامی در مورد بن ملجم میگوید : او یک ضربه زد و شما هم باید یک ضربه بزنید . عزیزان این مذهب نیست که شما دارید . بخاطر نفرتی که مردم از علی داشتند ، جسد او را پنهانی دفن کردند . میگویند برای علی قبر های متعدد در کوفه ، رحبه ، نجف و در خانه جعه بن هییره درست کردند تا کسی جسد او را بیرون نیاورده و به آتش بکشد . می خواهند علی را شبانه در نقطه ای از بیابان دفن کنند که شتری که جسد او را حمل میکرد گم شده و به دست مردم خشمگین می افتد و مردم جسد علی را به آتش می کشند . در این مورد به پیام خمینی وژن که برای صدام حسین فرستاد توجه کنید تا دو زاری کجتان بیفتد : من جای خاکستر علی را میدانم و برای او بارگاهی در قم خواهم ساخت تا دیگر مسلمانها برای زیارت او به عراق نیایند . علی قبری ندارد که در آن دفن شده باشد . چه دردا که هر ساله ده ها هزار ایرانی خرد گم کرده به نجف رفته و گور بدون مرده دژخیم محمد را زیارت می کنند .

این تنها علی نیست که گور ندارد . همسرش فاطمه ، دختر محمد هم بدین وضع دچار است . آخوند شارلاتان یکبار میگوید : قبر او در قبرستان بقیع است و برخی از آنها میگویند بین قبر محمد و منبر او در خانه اش میباشد . فاطمه در جریان لگدی که عمر بر شکمش زد و جنین او سقط شد ، مرده است . آنها دشمن خونی هم بودند و اختلافشان زمانی شروع

شد که باغ های فدک را تقسیم میکردند . پسر عموهای حسین (بنی عباس) مگر نبودند که گور حسین را شکافتند و استخوانهای او را به آتش کشیدند و زمین قبر ها را به آب بستند . علی و فرزندان جز بیداد و کشتار و تاراج هنری نداشتند و دیدید چه سرنوشت شومی برای آنها رقم خورد . برای یکبار هم که شده ، تاریخ را بخوانید تا ببینید خاندان علی همگی دزد و مال اندوز و جنایتکار بودند . محمد باقر ، غلامان بیشمار ، مزارع و املاک و ثروت بی حد داشت . او دشمن خندیدن بود و گریه را دوست میداشت . او به مردم پول میداد تا گریه کنند !!!!!!! (منتهی الامال قمی رویه های 90 . 91 و 119 ، 120) .

علی ، سرور آزادگان جهان !!!!!!! هزاران برده داشت که در کشتزارهای او جان می کنند . وقتی حسین سوره الحمد را آموخت ، علی یک صد سکه زر (هریک یک مثقال) به آموزگار فرزندش بخشید . (کتاب امام حسین و ایران ترجمه منصوری رویه های 24 و 25)

زین العابدین درست مثل سید علی خامنه ای که مجلس شعر داشت به کسانیکه او را تمجید میکردند صله و انعام های کلان میداد . او تنها به یک شاعر عرب بنام زید بن حارثه 70 هزار درهم بخشید . (رفرانس بالا)

علی دیناری به برادر کورش کمک نکرد و آتش کف دست او گذاشت و خرد گم کردگان ایرانی چشم به راه هستند تا چنین تبهکاری یار و یاور آنها باشد .

کنیز بازی و خرید زنان در خانواده دژخیم محمد :

شیخ مفید صاحب فصول المهمه می نویسد : زین العابدین بیمار دارای

15 فرزند از 15 زن بود . تنها محمد باقر از ام عبدالله ، دختر امام حسن و مابقی آنها از مادران ناشناخته شده که ام ولد (زنی که بچه ای را به دنیا بیاورد) خوانده میشدند . با این حساب 14 تن از فرزندان زین العابدین ولدالزنا بودند .

حسن ، دون ژوان سیری ناپذیر :



دومین امام شیعیان ، قهرمان زن گرفتن و طلاق دادن در جهان است . تا امروز کسی نتوانسته رکورد زنبارگی او را بشکند . برابر دفتر های دینی که ظاهر او را شرح داده اند ، قدی کوتاه داشت با شکمی گنده و در صورت دماغ پهن و دهانی گشاد . به گفته عایشه : حسن ، شباهت زیادی به محمد داشت . این امام هفت خط با آن ظاهر حال بهم زنش ، عده ای خاله زنگ را به خانه مردم می فرستاد تا برایش زن پیدا کنند . شگرد او برای عرب خرد باخته این بود که میگفت : برای رفتن به بهشت و عروس فاطمه شدن ، بهترین راه دادن به من است ! در کوتاه زمانی دختران گرسنه و فقیر برای سیر کردن شکم خود راهی حرمسرای حسن شدند . با این نیرنگ در مدتی کوتاه شکم ده ها تن از این تیره روزان بالا آمد .

حسن چنان در سکس افراط کرد که روزی زنانش را در استادیوم یکصد هزار نفری مدینه جمع کرد و گفت : دیگر توان هم خوابی با شما را ندارم ، اگر بخواهید شما را رها می کنم و یا می فروشم ! (تشیع و سیاست بهرام چوبینه ، رویه 141 بخش 70 تا 130 زنان امام حسن) .

بین 70 تا 90 تن از زنان حسن آغاز به پریدن کردند و با دیگران خوابیدند و طوری گند کار در آمد که حسن آنها را طلاق داد .

عماد زاده در کتاب زنان پیغمبر اسلام رویه های 379 ، 399 و 400 تعداد زنان حسن را 230 و تعداد کنیزانی که با او می خوابیدند را 60 تن قید کرده است .

بسیاری از پدران زنان رها شده به پیش علی رفته و شکایت بردند که حسن ، بکارت دختر ما را بر داشته و سپس آنها را رها کرده است و علی ، دژخیم محمد هم به منبر رفته و گوشزد نمود که گول پسر م ، حسن را نخورید . اون پنچره و کاری از دستش بر نمی آد . (نهضت حسینی رویه 68 – تاریخ اجتماعی ایران ، راوندی ، جلد دوم ، رویه 78) .

یکی از زنان روی بر گردانده از بهشت حسن ، جعده دختر اشعت بن قیس بنی کنده بود که با یزید خوابید و به امید ازدواج با یزید ، به حسن زهر داد و او را کشت . (تشیع و سیاست بهرام چوبینه ، رویه 136) .

هم میهن : وقتی یزید به این آسانی سر از رختخواب پسر عمویش ، حسن در می آورد چگونه باور داری که این همه بچه سید دور و برت ولد زنا نباشند ؟ زمانیکه روباه مکار رژیم آخوندی محمد خاتمی رئیس جمهور شد ، ادعا کرد که او هم سی و هفتمین نسل امام حسن است !

چادر نداز سرت



قلم مزد به دست های جمهوری اسهالی به این نتیجه رسیده اند که محمد خاتمی ، نسل حلال زاده سی و هفتم زنباره عرب ، حسن است . با شرحی که در بالا خواندید میشود از آقای خاتمی پرسید : شما نتیجه هم خوابگی حسن با کدام زن و کنیز هستید ، کافی است تنها اسم کوچک آن زن را ببرید ، تیم تحقیقاتی کاظم آقا شجره نامه مادر بزرگ شما را در می آورند .

حسن ، همان گونه جانش را بر سر زنبارگی اش گذاشت که محمد ، جان خود را در پیوند با زن ، سلام بن مشکم یهودی از دست داد . آن زن خود را دلباخته محمد نشان داد و سپس با خوراندن زهر ، پیامبر اسهال را کشت . (تفسیر طبری ، جلد 5 ، رویه 1335) .

هم میهن : شده یکبار از خودت بپرسی : کدامیک از امامان عرب به مرگ طبیعی مردند ؟ پیامبر زنباره چسلام را که با زهر کشتند . امام اولت را که شقه کردند . امام دومت را که با زهر کشتند . امام سومت را که باز جان بر سر کوس گذاشت و زنی را که بنا بود زن یزید شود را فریب داد ، در کربلا ذبح اسلامی کردند و....

حسن وقتی 37 سال داشت ، پدرش را کشتند . او بلافاصله به نفع معاویه کنار آمد و معاویه پول فراوان و باد آورده ای در اختیار او قرار داد تا به سنبلس برسد . (

تاریخ یعقوبی ، جلد دوم ، رویه 142) . همین امام معصوم در 50 سالگی با توطئه یزید که ترتیب زن او را داده بود ، با خوردن زهر جانش را از دست داد .

دون ژوان چهارم : حسین ابنه علی

حسین ابنه علی ، شهید جنسی کربلا



حسین ابنه علی فرزند دوم علی ابنه ابی طالبی در سال چهارم هجری زایش یافت . آخوند های شارلاتان و بی پدر و مادر ما کوشش می کنند که شهربانو دختر یزد گرد را زن او معرفی کنند . تیم تحقیقاتی کاظم آقا چند ماه است که با کاوش جانانه به این نتیجه رسیده اند که یزدگرد هیچگاه دختری بنام شهربانو نداشته که بخواد به عرب بیابانگردی مثل حسین بدهد . کاظم آقا با اینکه سایه فریبکار بزرگ علی شریعتی را با تیر میزند ، کتاب تشیع علوی و تشیع صفوی را نشان ما داد و گفت : ببینید علی شریعتی چه برداشتی از گفتگوی بین حسین و شهربانو بنا به ادعای محمد باقر مجلسی که نوشته ایندو (حسین و شهربانو) با هم صحبت میکردند راداشته و آنرا چندش آور خوانده . شریعتی در کتاب خود می نویسد : نه علی به زبان پهلوی دوران ساسانی آشنا بود و نه شهربانو عربی بلد بود .

هم میهن : انتظار ما از تو این است ، وقتی حقایق تاریخی را کنار دودوتا چهار تا

قرار میدهیم ، حالیت شود و با خود فکر کنی که چرا هر مزخرفی را بخورد تو میدهند راحت می پذیری و قورت میدهی و دنبال مابقیش

میگردد . حسین وقتی کشته شد 56 سال سن داشت . جنگ قادسیه در سال 16 هجری رخداد و بنا به گفته شارلاتانهای دستار بند حسین ، شهربانو را گرفت ! زین العابدین در سال 38 هجری زایش یافت و در سال 95 هجری مرد . با این حساب به مدت 22 سال شهربانو از حسین باردار نشد !!!!

هم میهن : علی اصغر حاصل ازدواج حسین با زنی بنام رباب دختر امرالقیس است که 40 سال پیش از عاشورا متولد شده (قمقام زخار جلد 2 رویه 653 و نفس المهموم رویه 527) داستان ساختگی تیر به گلوی علی اصغر نوزاد خوردن ، ساخته آخوند زنا زاده برای گریاندن توست . امرالقیس دو دختر دیگر بنام های محیا و سلمی داشت که اولی را علی به زنی گرفت و دومی را حسن .

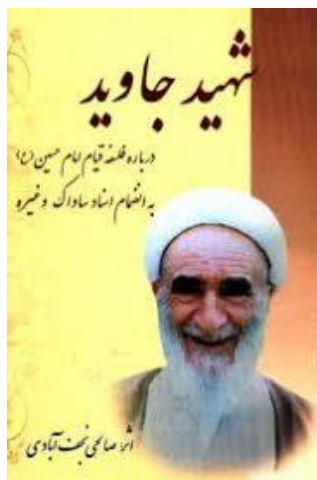


راز کشته شدن زنیاره اسلام ، حسین بن علی

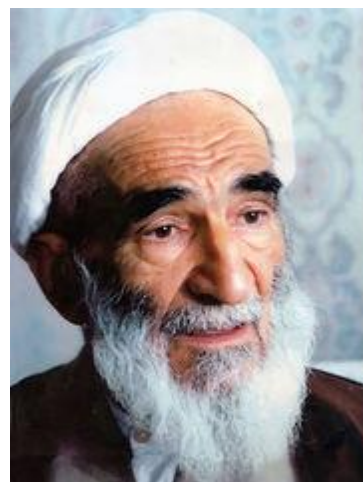
در زمان خلافت معاویه در شام ، زن زیبایی بنام اورینب با همسرش

عبدالله سلام نامی زندگی میکرد . اورینب به مناسبتی با یزید بن معاویه دیداری داشته و در این دیدار یزید بشدت شیفته این زن شوهر دار میشود . یزید ماجرا را با پدرش در میان میگذارد و معاویه صلاح دانسته تا با دادن خواهر یزید یا دخترش به عبدالله از او بخواهد تا عبدالله زنش را طلاق داده تا به عقد پسرش یزید در آید . عبدالله بنا به خواست دختر معاویه ، اورینب را سه طلاقه می کند . شاهدان این طلاق که در دمشق انجام شد ابو هریره و ابو دردا بودند . درست در زمانی که جشن عروسی یزید با اورینب می خواهد صورت بگیرد . نماینده معاویه " ابودردا " که برای آوردن اورینب رفته بودند با تبانی حسین بن علی که او هم شیفته اورینب بود ، این زن را فریب داده وبه اورینب میگوید : بزودی حسین بن علی قدرت را از معاویه گرفته و خود خلیفه میشود ، تو ترجیح میدهی زن حسین بن علی شوی و به بهشت بروی!!!! او یا با یزید ازدواج کنی؟ اورینب راضی به وصلت با حسین شده و حسین او را بخانه اش برده و با او همخوابه میشود . هم میهن کمی زحمت خواندن کتاب زندگانی حسین ، نگارش زین العابدین رهنما و ناسخ التواریخ جلد ششم را بخود بده . خشم معاویه و یزید بر انگیزته میشود و داستان کربلا ساخته میشود که در آن یزید دزد عشق و ناموس خود را میکشد . تاریخ نویسان مشهور مثل دکتر طه حسین ، ول هوسن ، مهدی سراج انصاری ، طبری ضمن برشمردن حقایق بالا نوشته اند : حسین بن علی در نتیجه خود خواهی و جاه طلبی و رسیدن به خلافت جان خود را از دست داد .

صالحی نجف آبادی یکی از روحانیون زمان خمینی که در کتاب شهید جاوید خود ، جنگ کربلا و کشته شدن حسین را ناشی از خود خواهی و جاه طلبی دانسته بود به دستور خمینی به قتل رسیده و کتابش را جمع آوری کردند .



آخوند نعمت الله صالحی نجف آبادی



در ابتدای کار این سرقت جنسی توسط حسین بن علی ، معاویه با وجود خشم شدید ، عکس العملی تند بروز نمی دهد . اورینب پس از مدتی ماندگاری در خانه حسین متوجه میشود که روز به روز از توجه حسین به او کاسته شده و سرانجام بصورت کالائی مشابه دیگر زنان حسین در آمده است . او به ساده اندیشی خود پی میبرد و در می یابد که در بازی کسب قدرت بین حسین و یزید بازنده شده است . او از اینکه زن مرد مجردی چون یزید که فرزند خلیفه مسلمین معاویه بوده سر زده و زن مرد پنجاه ساله ای که کلی زن دارد شده است ، نادم و پشیمان شده بود . پس از درگذشت معاویه ، پسرش یزید به خلافت میرسد . چون مردم

عراق بویژه اهالی کوفه و بصره از معاویه و روش حکومت او ناراضی بودند به حسین نامه نوشته و از او خواستند تا از مدینه به کوفه برود . یزید نیز که دل پری از حسین داشت به عبیداله بن زیاد حاکم کوفه دستور داد به شدید ترین وجه جلوی حسین را بگیرد . هم میهن : حسین بن علی سرور آزادگان جهان !!!!!!!!!

جانش را فدای افزایش زنی زیبا به حرمسرایش کرد . او پی هوای نفس و جاه طلبی و قدرت بود و تو خردگم کرده که در بست شعور و عقل و خرد خود را در اختیار مثنی زنا زاده عرب تبار دستار بند قرار داده ای پس از 1400 سال به سرو سینه خود میزنی و بر سرت گل میمالی ! جنگ کربلا ناشی از تخم کینه ای بود که حسین با عملش در دل یزید کاشت . هم میهن : آخوند نابکار برای گرمی دکانش همواره مسئله اورینب را از تو مخفی نگهداشته است . آخوند ها پیوسته یزید را خدا ناشناس و بی دین معرفی کرده اند که اصلا چنین چیزی نبوده . رابرت اوزبورن تاریخ نویس اروپائی در رویه 123 کتاب خود

Islam under Arabs

می نویسد : تاریخ نویسان اسلام ، یزید را خدا ناشناس به شمار آورده اند ، در حالیکه او صوفی بود و عقیده داشت که انسان میتواند با خدا ترکیب شود .

پس از کشته شدن حسین و شنیدن قصه های طول و درازی که آخوند ها برای آن ساختند و تشنگی های ساختگی در کنار رود فرات که اگر زمین را یک متر می کنند و به آب میرسیدند و نخوردن آب بجای شیر علی اکبر و علی اصغر و حمل مشگ آب توسط عباس که هر دو دستش را قطع کرده بودند و او با دندان مشگ آب را حمل میکرد و نبود آب در

حالی که حسین مرتب نوره به خود می کشید و صدها مزخرف گوئی و افسانه سرائی های احمقانه و ابلهانه که تنها بازار گرمش در ایران و پاکستان اسلام زده است ، توسط مفت خوران جاهل پرور دستار بند ساخته و پرداخته شده است .

وقتی حسین کشته شد ، نخستین فردی که برای خونخواهی او سر بر افراشت عبیداله زبیر بود که در حقیقت رویای خلافت در سر می پروراند و حسین تنها یک بهانه بود ، چون او هیچگونه پیوندی با او نداشت . یزید سپاهی متشکل از دوازده هزار تن را برای سرکوب عبیداله فرستاد و در جنگ بین آنها چهار هزار عرب ، از جمله نود تن از یاران نزدیک محمد ، پیامبر اسلام کشته شدند . عبیداله به مکه فرار کرد و از خوش شانسی اش ، پیش از فتح مکه توسط یزید ، یزید فوت می کند و این واقعه باعث میشود تا او بر حجاز ، یمن ، عراق و مصر دست یابد . کار کسب قدرت با بهانه خونخواهی حسین توسط سلیمان بن صراد الخزائی دنبال شد . مروان بن حکم که بر کرسی خلافت بنی امیه تکیه زده بود سپاهی با 20 هزار سرباز برای سرکوب سلیمان راهی و در جنگ بین آنها 16 هزار سرباز سلیمان و خود او کشته شدند . پس از مرگ سلیمان ، فرد دیگری بنام مختار بن ابو عبیده ثقفی که دستار بندان اشغالگر و ظنم او را به مقام خدائی رسانده و فیلمسازان تازی پرست ایران از او فیلم ساخته اند ، قد بر افراشت .

داود میر باقری کارگردان این سریال تلویزیونی اوج بی وطنی و تازی پرستی خود را به نمایش میگذارد .



پدر مختار از سپهساران لشکر اسلام در جنگ حلوان بود که رستم فرخ زاد سردار بزرگ ایرانی را شکست داد. در این جنگ ابو عبیده خرمطوم فیلی را با شمشیر قطع می‌کند و فیل زخمی او را زیر پا های خود له می‌کند.

مختار طالب قدرت که خود را پیامبر شناسائی میکرد و برخی از تاریخ نویسان نیز نوشته اند که او ادعای خدائی میکرد، با بهانه مشابه پیشینیان خود که خونخواهی حسین بود، سپاهی شامل 3 هزار تن که تنها 700 تن آن عرب و مابقی موالی (ایرانی و غیر عرب) بودند به مدینه فرستاد.

هم میهن شاید هیچگاه بگوش تو کسی نرسانده باشد که چطور عرب بیابانگرد اجداد تو را خوار کرده و از آنها برای کارهای سخت مانند جاده کشی و زهکشی سود جسته و زمانی که یک عرب خرید میکرد، ایرانی بود که باید اجناس خریداری شده او را به در منزلش ببرد. عربها ایرانی های اسلام آورده را در صف اول نماز جا نمیدادند، ولی جای ایرانی در جنگها در صف اول بود. عرب برابر باور داشت که سه چیز نماز را

باطل می کند : سگ ، الاغ و موالی .

اول عرب میبایستی غذا بخورد و بعد از آنچه در سفره باقی مانده بود ، ایرانی خورده و یا بیاشامد . عربها هیچگاه پهلو به پهلو ایرانیها راه نمی رفتند و این ایرانی ها بودند که راه را برای عبور نخست عرب باز میکردند . ایرانی حق نداشت تا زن عرب بگیرد ، ولی این حق را عرب داشت . هم میهن کتاب تاریخ اسلام نوشته عماد زاده اصفهانی را بخوان و آرزو کن که زمین دهان باز کند و تو خردگم را ببلعد تا بیش از این برای حسین تازی سوگواری نکنی . مختار رویهمرفته 16 ماه حکومت کرد و در این مدت بیشتر کشندگان حسین تازی را از قبیل شمر بن ذی الجوشن ، سنان بن اونس ، فارغ بن حمار ، حکیم بن طفیل طائی ، حرمله و خولی را زیر شکنجه های دهشتناک به قتل رساند . مثنی عرب برابر برای کسب قدرت همدیگر را می کشند و ما ایرانی های خردگم کرده منگول برایشان پیراهن دریده ، به سر گل مالیده و بدنمان را سیاه می کنیم . هم میهن برآستی شرم بر ما . مختار به خونخواهی حسین تازی 50 هزار تن را کشت و مزدور وژنی چون داود میر باقری از این حیوان درنده در فیلمش ستایش کرده و او را به خدائی میرساند . تف بر ما که چنین از ویران کنندگان سرزمین و نابود گران فرهنگمان یاد می کنیم .



مزدور تازی پرست داود میر باقری

پس از آنکه مختار سپاه عبدالملک بن مروان را شکست داد ، نوبت به عبدالله بن زبیر رسید . عبدالله بن زبیر ، برادرش مصعب را به جنگ با مختار فرستاد و مختار در این جنگ شکست خورده و فرار می کند . او از 6000 تن سربازان باقیمانده اش می خواهد تا با دشمن مصاف کنند و آنها از این کار سر باز میزند و در نهایت مختار با 19 تن از یارانش به قلب سپاه مصعب زده که تمامی کشته میشوند . پس از کشته شدن مختار مصعب دستور داد تا 6000 تن سپاهیان مختار را که خود را تسلیم کرده بودند ، گردن بزنند .

هم میهن به رخداد های زیر نگاه کن تا جایگاه پست فکری خود را بیابی : سر جدا شده از بدن مصعب را برای عبدالملک بن مروان بردند . سر جدا از بدن مختار را برای مصعب . سر جدا شده از بدن عبیداله بن زیاد را برای مختار و سر حسین بن علی را برای عبیداله بن زیاد . عده ای عرب قوم و خویش برای رسیدن به قدرت میکشند و این وسط کسی نیست بپرسد : به شما ها چه سر پیاز هستید یا ته پیاز . بنا به نوشته زنده یاد علی دشتی : تاریخ اسلام از آغاز تا کنون شرح آدمکشی برای دستیابی به قدرت زیر نام مذهب بوده است . این روش نا انسانی بوسیله محمد نوآور سیستم خرافاتی و انسان ستیز اسلام آغاز گردید و تا به امروز ادامه دارد . دستار بندگان تازی پرست اشغالگر ، همه از نهاد نیرنگ باز و دغل پیشه او و همچنین بی پایه بودن دیدمان اسلام آگاهند ، از این روی حفظ این مذهب اهریمنی صرفا بخاطر کسب قدرت و فرمانروائی بر مثنی خردگم کرده خوار و زبون که به نکبت بار زندگی کردن خو کرده اند میباشد .

آیا روزی را خواهیم دید که هم میهن خرد باخته من دست از مرثیه سرائی
برای مثنی تازی اشغالگر و ویرانگر بر دارد و بخود بیاید که حسین
جانش را بر سر جذبه سکسی یک زن گذاشت و او را چه که حرف از
آزادگی بزند که سرور آزادگان جهان باشد . سرور آزادگان جهان بابک
خرم دین بود که خلیفه عرب معتصم او را قطعه قطعه کرد و او ایران را
فریاد کشید .

هزاران متر پارچه سیاه میخرند و شهر را سیاه پوش میکنند برای
نزدیکی به خدا
آنگاه هزاران کودک در سطح شهرشان با لباس های پاره دست
فروشی می کنند

در ۱۰ روز میلیون ها ظرف از غذا برای رضای خدا!!! به یکدیگر هدیه
میدهند، آنگاه هزاران نفر در چند شب بعد شب را با شکم گرسنه صبح
میکنند

لباس نو و زیبا ولی سیاه میخرن برای اینکه بگویند ناراحت هستند و
لباس رنگی نمی پوشند

میلیون ها تومان تجهیزات میخرند برای اینکه در آن حرف از عدالت و
خدا و بهشت و جهنم زده شود
زمانی که بعضی از کودکان شهرشان پول خرید تجهیزات اولیه
تحصیلشان را ندارند

ساعت ها با زنجیر بر گردن و سر و کله و سینه خود میزنند!!! کاری
که هیچ حیوانی با خود نمی کند !

تا شهري در كشوري ديگر پياده ميروند اما از پل عابر هوايي خيابان
هايشان بالا نميروند

ساعت ها براي با غيرت بودن كسي گريه ميكنند... فرديش به دختر ده
ساله هم رحم نميكنند

واعظان شان حرف از مال حلال و انسانيت مي زنند ،
بيشترين آمار اختلاس و خوردن مال مردم و جنايت مربوط به خودشان است

هزاران ليتر شير را به بهانه نخوردن شير كودكي در 1300 سال قبل
در دو روز بين هم ديگر تقسيم ميكنند!!!! چندي بعد كودكان شهرشان
به دليل تغذيه نا مناسب دچار نوع مريضي ميشوند
اعتقادشان به اين است كه بايد زمين از فساد پر شود تا منجي شان
ظهور كند

!!!!

به راستي با اين خرد گم كردگان چه بايد كرد ؟



زنباره تازی حسین ابنه علی مجموعا تا 35 خواهر و برادر تنی و ناتنی داشت . برادر و خواهران تنی او عبارت بودند از حسن ، زینب ، ام کلثوم و محسن .

ابوالفضل عباس ، جعفر ، عثمان و عبدالله از زن دیگر پدرش ام البنین دختر حزام بن خالد کلابیه بودند که در کربلا همگی کشته شدند . حسین ، دو برادر ناتنی دیگر داشت بنام یحیی و عون که مادرشان عصما بنت عمیس بود

سه برادر ناتنی دیگر بنامهای محمد ، اصغر و عبیداله از مادری بنام لیلی دختر مسعود دارمیه داشت . عمر ، اطرف و رقیه از ام حبیبیه دختر ربیعیه . ام الحسن و رمله که نام مادرشان ام سعید ، دختر عروه بن مسعود ثقفی بود . نفیسه ، زینب صغری ، رقیه صغری ، ام هانی ، ام کرام ، جمانه ، امامه ، ام سلمه ، میمونه ، خدیجه و فاطمه ، از زنان دیگر بابای حسین بودند .

آیا هنوز به گفته ما شک دارید که میگوئیم : اسلام تنها دین دادن و کردن و مثل کرم در هم لولیدن است .

زین العابدین بیمار

تنها فردی که در جنگ کربلا جان سالم بدر برد زین العابدین بود . یزید و سپاهیانش به او بخاطر بیماریش دست نزدند در حالیکه سران جمهوری اسهالی ایران بکرات ، بیماران را حتی با برانکارد پای جوخه یا چوبه اعدام آورده و آنها کشته اند . .



امام چهارم شیعیان در سراسر عمر از بیماری رنج برد و گوشه گیری اختیار کرد. او تنها امامی است که یک زن داشت.

دون ژوان فربه ، محمد باقر



از روی بررسی های تاریخی توسط تیم کاظم آقا ، روشن شد که قیافه ظاهری و هیکل امام محمد باقر درست مثل حسن فیروز آبادی رئیس

ستاد نیرو های مسلح مشهور به گروه بان گارسیا بوده است .



این امام خپله از سیاست بطور کامل دوری نگزید و بیشتر به فکر خانم بازی و مال دنیا بود . محمد باقر مجلسی در کتاب بحار الانوار ، جلد 11 می نویسد : محمد بن منکدر در یکی از روزهای سوزنده تابستان در حومه مدینه به مرد چاقی که عرق ریزان و نفس زنان مشغول سر کشی به مزارع اش بود برخورد کرده و دیده او امام محمد باقر است .
آخوند شارلاتان و هفت خط به مغز پوک ملت مسخ شده ما فرو کرده که خلفای عباسی ، همگی غاصب بوده اند ، در حالیکه محمد باقر به گونه رسمی سمت مشاور خلیفه عباسی ، عبدالملک را بر عهده داشت .
ابو جعفر ، محمد بن علی الباقر در 3 صفر سال 57 هجری در مدینه به دنیا آمد . آخوند ها برای او القاب زیر را ساخته اند : باقر العلوم ، شاکر ، صابر و هادی .

این امام تپلی 57 سال بیشتر عمر نکرد و در 7 ذی الحجه سال 114 هجری مرد و او را در قبرستان بقیع مدینه چال کردند . از زنان رسمی اومیتوان به ام فروزه و ام حکیم اشاره داشت که ام حکیم ، از دختران اسد بن مغیره ثقفی بود و ام فروزه دختر قاسم بن محمد بن ابی کر بود . محمد باقر از این دو زن صاحب فرزندان شد بنام های جعفر ، ابراهیم ، علی ، عبدالله ، زینب و ام سلمه .
یکبار دیگر شاهد دغلکاری آخوند بی پدر و مادر میشویم که گفته اند :
تنها نسلی که ادامه پیدا کرده از جعفر است و مابقی بچه های محمد باقر

عقیم و نازا بوده اند !!!!!!!!!!!!!!!

این امام فربه یک رقیب سیاسی داشت و او برادرش علی مشهور به زید بن علی بود . او طرفدارانی برای خودش دست و پا کرد که به زیدیه مشهورند .

این امام نیز مثل بقیه امامان توسط ابراهیم بن ولید بن عبدالله از نزدیکان هشام بن عبدالملک مسموم و به قتل میرسد . جالب اینجاست که روی قبر او تنها یک سنگ گذاشته اند و هیچ نشانی از گنبد و بارگاه به چشم نمی خورد .



پیش از پرداختن به زینبارگی سایر امامان اسهال ، باید به نکته مهمی که تا امروز آخوند های شیاد از شما پنهان نگه داشته اند اشاره کنیم و آن مردبارگی مومنه خانم های اسلام است . سکینه ، دختر حسین که ارث خروسی پدرش را برده بود ، تنها 6 شوهر رسمی و عقدی داشت . سکینه دست رد به سینه هیچ مرد عرب خوش قیافه نمیزد . او عاشق می و ساز و آواز و بزم های شبانه بود و نوکری داشت بنام اشعث که برنامه ریز دادن های خانم بود . در بزم های دختر سالار شهیدان !!!! خوانندگان نامدار عرب چون ابن صریح و عزت المیلا شرکت داشتند (کتاب ایرانستان محمد بطحائی رویه های 239 و 262 و کتاب منتخب التواریخ رویه 244).

در پایان بزم ، هدایای گرانقیمتی از بیت المال مسلمین به این خوانندگان و رقاصان همراه آنها توسط سکینه داده میشد .



نام همسران شناخته شده او عبارتند از : عبدالله پسر حسن (پسر عمویش) . مصعب پسر زبیر . ابراهیم پسر عبدالرحمان . اصبع مردانی . عبدالله پسر عثمان . بایزید پسر عمروثنای . (رفرانس های بالا) .

ام کلثوم

دومین دختر زنباره شهید حسین که در تمام شب زنده داریهای سکینه همپای او بود و در مرد بارگی با خواهر عفیفه اش رقابت داشت . نام چهار شوهر عقدی این خانم بشرح زیر است : عمر بن الخطاب . عون . محمد . و عبدالله پسران جعفر یکی پس از دیگری ! اول عون ، ام کلثوم را میگیرد و پس از مدتی او را به برادرش محمد پاس میدهد . محمد هم مدتی با دختر سالار شهیدان حال می کند و سپس او را به برادر دیگرش عبدالله می سپارد .

هم میهن در کدام اجتماع عقب مانده ای شاهد این کثافت کاری ها هستی . به راستی که معجزه اسهال در بی بند و باری و تلمبه زدن نهفته است . به غیر این سه برادر و عمر ، ام کلثوم مانند خواهرش صیغه ده ها جوان عرب شده است . اوج بی مغزی ، ابلهی و بی شعوری زمانی ظاهر

میشود که هم وطن مغز خر خورده من ، دو فاحشه عرب را می پرستند .
هم میهن : بخود بیا ، نقشه آخوند بی پدر و مادر همواره این بوده تا تورا بدون پشتوانه فرهنگی و نژادی بار بیاورند ، تا بهتر بتوانند روان بی نژادان و فرومایگان و جندگان عرب را سروری بخشند و خود در کنار این وطن فروشی چندی آور به زندگی انگلی خود ادامه داده . با باور های مسخره مذهبی بر گرده ات سوار شوند . نمونه تاسف بار آن داستان ساختگی شهربانو بود که قبلا شرحش را دادیم . افسانه سرائی آخوند ها با شکلی یکسان و بدون کوچکترین اختلاف هم در مورد شهربانو آمده و هم در مورد نوه امپراتور روم که زن امام یازدهم ، حسن عسگری که در ضمن عقیم بوده و بچه دار نمی شده آمده و نوه امپراتور روم را مادر مهدی موعود جا زده اند . برای اینکه حال و هوای شما کمی تغییر کند این دو داستان را که باهم مدت زمان درازی اختلاف دارند برایتان بازگو می کنیم ، شاید حالتان شود که چه کلاه گشادی بسر مبارکتان گذاشته اند . روایت اول مربوط به شهربانو است : شهربانو در خواب دید که حضرت رسول داخل خانه او شد با حضرت امام حسین و او را برای حضرت خواستگاری کرد (ماجرا به پیش از یورش اعراب به ایران مربوط است) . شب بعد خواب دیدم (شهربانو میگوید) حضرت فاطمه به نزد من آمد و من را مسلمان کرد ! حضرت فاطمه بمن گفت : بزودی لشکر مسلمانان بر پدر تو یزدگرد غالب و تو اسیر میشوی !!!! تو را پیش پسر من ، حسین میآورند . در این مدت الله نمی گذارد کسی دست بتو بزند !!!!

روایت دوم مربوط به نوه امپراتور روم : نوه امپراتور روم (ملیکه) در خواب دید که حضرت عیسی ، همراه با شمعون و حواریون به دیدارم آمدند . آنها منتظر شدند تا رسول الله ، محمد و دامادش علی به قصر

بیایند !!! حضرت مسیح به قدوم ادب و از روی تعظیم !!!!! به استقبال خاتم الانبیا رفت . رسول الله مرا برای فرزند امام علی النقی که حسن نام داشت خواستگاری کرد !!!!! شب بعد فاطمه زهرا به خوابم آمد و مرا مسلمان کرد !!!!!!!

هم میهن : سودا گران دون پایه و مفت خور چنان بر مغز تو تگری زده اند که پاک شدنش محال است .

مذهب خون آلود اسلام ، مذهب واپسگرایی اسلام ، مذهب ضد بشری اسلام چه چیز به تو داده که آنرا چهار چنگولی چسبیده ای ؟ محمد را دلداده اش با خوراندن سم به او کشت . علی را شقه کردند . حسن را مسموم کردند و کشتند . حسین را سر بریدند و سر هایشان را به نیزه کردند . علی اکبر را سربشکافتند ، گلویش دریدند و بدنش را با تیر و نیزه پاره پاره کردند . علی اصغر را تیر بر گلویش زدند و کشتند . عبدالله پسر مسلم نوه علی را با له کردن مغزش کشتند . محمد و عون و پسران عبدالله پسر جعفر و نوه دختری علی را به دردناکترین شکل سر بریدند . تمام اینها به دست مردم ستمدیده از جور و ظلم محمد و خاندان علی کشته شدند ، همانطوریکه آن روز را خواهیم دید که مردم ستم دیده ما سر خامنه ای و انصارش را بر دار کنند . کمی تاریخ بخوانید .

هم میهن : آنچه که باید تو بدانی این است تمام کسانی که در نزاع بین اعراب صدر اسلام برای کسب قدرت کشته شدند و یا دستشان به خون آلوده گشت ، همگی با هم فامیل بودند . جد حسین و معاویه ، عبد مناف بود . جد علی و ابو طالب و عبدالمطلب و هاشم از یک طرف و ابوسفیان و حرب و امیه و عبدالشمس از طرف دیگر عبد مناف بوده . قاتلین و

مقتولین صدر اسلام با هم بیگانه نبودند .

هم میهن : تو را سنه نه !!! آیا 1400 سال بندگی و بردگی اختیاری کافی نیست ؟ آیا 1400 سال سیه روزی و به خاکستر نشستن کافی نیست ؟ تا به کی باید در این راه تاریک هول انگیز قدم بر داریم ؟ کی می خواهیم که نوکر ، چاکر ، کوچک ، سر سپرده ، عبد و غلام و سراپا تقصیر نباشیم ؟ آیا به راستی ما پیش از یورش اعراب چنین بودیم ؟ به راستی که مرگ و ننگ و شرم بر یکایک ما باد که چنان از خود بیگانه شدیم که رهبری یک زنا زاده تازی پرست را بجای پادشاهی پذیرفتیم .

امام جعفر سارق ، معروف به صادق :



امام ششم شیعیان ، مدل لباس های فصل در مزون های مدینه (کتاب فروغ کافی ، جلد پنجم ، باب معشیت در مورد لباسهای بدن نمای امام جعفر صادق) در این کتاب می خوانید : لباسهای امام آنچنان بدن نما بودند ، مثل اینکه مغز تخم مرغ را با پرده ای بخواهند از پوسته اش جدا کنند . جعفر سارق را از آن جهت صادق می خوانند که پیشگوئی کرده بود ، منصور خلیفه عباسی میشود . تاریخ نویسان عرب از او به عنوان دروغگوی بزرگ یاد می کنند . این تازی خوش لباس !!! پایه گزار فقه شیعه است . چندی پیش آخوند های زن قحبه شارلاتان که خودشان را به

همه چیز حتی الکترون و نوترون هم می چسبانند ، همایش فقه هسته ای
تشکیل دادند !!!



از ندانم کاریهای ایرانیان مغز کل ، یکی این بود که فکر میکردند با ساختن جنبشی شبه عباسی میتوانند ایران را از یوغ تازیها و خلفای عباسی رهائی بخشند ، در حالیکه خودشان عباسیان را به قدرت رسانده بودند ، درست مثل کاری که پادشاهان صفوی کردند و ایران را بیشتر در نجاست اسلامی فرو بردند .

منگولهای آن زمان و در راس تمامی آنها ابوسلمه ایرانی همدانی ، فکر میکردند این جنبش وقتی کارساز میشود که در راس این آن یکی از افراد خاندان محمد و علی قرار بگیرد !!!! از این روی ، او نامه ای به امام جعفر سارق نوشت و از او خواست تا خلافت را قبول کند . جعفر هم نامه را در آتش انداخت و خبرتوطئه ایرانیان را بگوش سفاخ خلیفه عباسی رساند و این خلیفه دستور داد تا ابوسلمه ایرانی همدانی که

وزیرش بود ، را به قتل برسانند .

ابو عبدالله جعفر بن محمد صادق در 17 ربیع الاول سال 83 هجری در مدینه به دنیا آمد و در 25 شوال 148 هجری به دست خلیفه عباسی منصور دوانیقی مسموم و به قتل رسید . مادرش ام فروه بود که از نوادگان ابوبکر بشمار میرفت

. وقتی او را کشتند ، یک سؤال مهم بین مردم زمزمه میشد : چرا الله و جبرئیل محمد ، پیامبر خدا را آگاه نکردند تا زهر نخورد ؟ چرا الله و جبرئیل به علی هشدار ندادند تا بن ملجم قصد قصابی او را دارد ؟ چرا الله و جبرئیل به امام حسن نگفتند ؛ می خواهند به تو زهر بدهند ؟ چرا به حسین و 71 تن از یاران او که همگی در کربلا کشته شدند ، یاری نرساندند ؟ چرا محمد باقر را از توطئه قتلش آگاه نکردند و چرا به امام جعفر سارق نگفتند که منصور ، خلیفه عباسی می خواهد به تو زهر بدهد . مردم آن زمان ، عجله بخرج دادند و منتظر امام موسی کاظم و امام رضا و مابقی امامان نشدند . البته حافظان بیضه اسلام میگویند : الله تنها مسئول پیامبرش در برخی مواقع بود و کاری به علی و آل او نداشت ! الله ترتیب همخوابگی های پیامبرش را توسط جبرائیل صورت میداد و به نظر میرسد ، او محمد را از توطئه به قتل رساندنش آگاه کرده ولی زمان اطلاع رسانی ، موقعی بوده که صدای تلمبه زدن و هن هن محمد باعث شده تا صدای جبرائیل به گوش مملی نرسد .

این امام با اینکه توسط خلیفه عباسی به قتل رسید ، رکورد دار طول عمر در بین دارد و دسته محمد و علی است . آخوند های بی پدر و مادر تا توانسته اند از قول او حدیث ساخته اند که پژوهشگران مسائل اسهالی میتوانند به 560 شماره از ریشنامه مراجعه و حدیث های مربوطه را

بخوانند . خوشبختانه طبق معمول ، مسئله جانشینی بعد از او باعث تفرقه مسلمانان شیعه گشت . تعدادی از مسلمانان می گفتند ؛ اسماعیل فرزند ارشد صادق باید امامت را داشته باشد و بشود امام هفتم و عده ای هم می گفتند ؛ نه ، موسی کاظم باید امام بعدی باشد . گروه اول مذهب اسماعیلی را ساختند و گروه دوم شیعه جعفری یا دوازده امامی را .

قبر چهار امام شیعه در فرتور سمت راست دیده میشود . این گنبد و بارگاه در سال 1926 میلادی توسط وهابی های عربستان با خاک یکسان و آنچه امروز دیده میشود خرابه ای است در شهر مدینه که شهرداری می خواهد از آن به عنوان پارکینگ استفاده کند (فرتور سمت چپ) .



نا گفته نماند که جعفر سارق ، برای جانشینی خود چهار تن را انتخاب کرده بود . این زبل هفت خط که از نیت خلیفه عباسی منصور آگاه شده بود ، چهار تن را به جانشینی خود انتخاب کرده بود که برای شما میگوئیم ، او چرا اینکار را کرد .

وقتی جعفر سارق مرد و خبر آن بگوش منصور رسید . منصور شاد شده

و میگوید : دوره امامت این بی پدر و مادر ها به پایان رسید. او نامه ای برای حاکم مدینه ، می نویسد : وصیت نامه جعفر را بخوانید و هر کسی را که به جانشینی خود انتخاب کرده گردن بزنید . حاکم مدینه ، وصیت نامه جعفر را باز می کند . در وصیت نامه می بیند که جعفر چهار تن را به جانشینی خود انتخاب کرده ، اول خود خلیفه عباسی ، یعنی منصور . دوم ، حاکم مدینه ، سوم عبدالله اقطع پسر بزرگش و چهارمی ، موسی کاظم .

از امام جعفر سارق به عنوان کسی که دکترین دروغ و تقیه را در اسلام بنیادی کرد نام میبرند . امام جعفر معتقد بود اگر جان مسلمانی در خطر باشد ، او میتواند بگوید : من مسلمان نیستم ، من گاو پرست هستم . پیش و بعد از جعفر اگر کسی می گفت : من کافرم و یا از اسهال روی بر گرداندم ، گردنش را میزدند .

جعفر سارق دو تا زن عقدی و بینهایت زن صیغه ای و کنیز داشت . زنهای عقدی او عبارت بودند از فاطمه بنت حسین ائرم که از او سه فرزند بنام های اسماعیل ، عبدالله و عصما داشت و زن دیگرش حمیده بنت صاعد بود که او نیز سه فرزند بنام های موسی ، محمد و اسحاق برایش زانید . فرزندان دیگر زنباره سارق نظیر ، عباس ، علی ، عصما و فاطمه بودند که مادرانشان ناشناخته هستند . این امام مشنگ از یک نام برای دو فرزندش استفاده میکرد : عصما یک و عصما دو ، مثل اینکه فیلم سینمایی و یا سریال تلویزیونی میساخت .

زنباره دروغگو موسی کاظم :



موسی کاظم ، چهارمین فرزند جعفر سارق است که در زنبارگی و جاه طلبی با پدر و اجدادش رقابت داشت . از او مثل پدرش به عنوان دروغگوی اسلام یاد می کنند . این امام زنباره ثروت بسیاری داشت ولی همواره می گفت : اگر تمام دنیا را بمن بدهند ، یک شب بدون زن نمی خوابم ! (توضیح المسائل دکتر شجاع الدین شفا) . این زنباره سیری ناپذیر عرب نیز توسط هارون الرشید در زندان مسموم و به قتل رسید .



آخوند های اشغالگر برای این امام القاب زیر را ساخته اند : کاظم ، صابر ، صالح ، امین ، عبدالصالح و لقب مسخره باب الحوایج . او در ماه صفر سال 128 هجری از حمیده نامی به دنیا آمد . او بیست ساله

بود که به امامت رسید . و در سن 55 سالگی در زندان به دستور هارون رشید به او سم دادند و او هم نفهمید و آنرا خورد و مرد . قبر این امام شیعه در عراق و در شهر کاظمین است . تاریخ نویسان نام دو زن عقدی او را فاطمه بنت علی و نجمه نوشته اند و از ذکر نام صیغه ها و کنیزانی که برایش بچه آورده اند خودداری کردند . این زنباره خانم باز تنها 37 فرزند داشت . پسران او عبارتند از : علی بن موسی الرضا که بعدا امام هشتم شد . ابراهیم ، عباس ، قاسم ، اسماعیل ، جعفر ، هارون ، حسن ، احمد ، محمد ، حمزه ، عبدالله ، اسحاق ، عبیدالله ، زید ، حسین ، فضل و سلیمان و نام دختران او عبارت بودند از : فاطمه کبری ، فاطمه صغری ، حکیمه ، رقیه ، رقیه صغری ، ام ابیها ، کلثوم ، ام جعفر ، لبابه ، زینب ، خدیجه ، علیه ، آمنه ، حسنه ، بریهه ، عایشه ، ام سلمه ، میمونه و ام کلثوم . نام برخی از فرزندان این خانم باز اسهالی کبری و صغری است . این از آن نظر است که ایشان اسم کم آورده و با نامیدن فاطمه کبری و فاطمه صغری ، دو کودکش را شناسائی میکرد به راستی حفظ اسامی بچه ها و شناسائی آنها بیشتر به معجزه نزدیک است تا بلوغ !!! یکی از دختران موسی کاظم ، فاطمه معروف به معصومه است که از بد شانسی ما ایرانیان برای دیدار برادرش رضا به ایران آمد و در قم اسهال گرفت و مرد و همان جا دفنش کردند و اینگ با برادرش در کار سکس بوده و صاحب جنده خانه های متعددی در قم میباشد .

در زمان این زنباره اسلام انشعاباتی در مذاهب اسماعیلیه ، ناووسیه و اقطحیه به وجود آمد . البته طبق معمول همیشگی بین موسی کاظم با برادرانش بر سر کسب قدرت همواره جنگ و نزاع حاکم بود . کسی که ترتیب موسی کاظم داد ، برادرش علی بن اسماعیل بود که پیش هارون الرشید رفته و زیر آب او را زد . هارون الرشید به مدت چهار سال

موسی کاظم را در زندانهای فضل بن الربیع و فضل بن یحیی برمکی و سندی بن شاهک نگهداشت و بعدا خسته شده در زندان آخری گفت : چندتا خرما ی زهر آلود به امام بدهند و او را بکشند . اصولا زهر بهترین ماده برای کشتن این حیوانات است . پس از جنگ ایران و عراق بود که صدام حسین به خمینی وژن بی پدر و مادر زهر داد و او را کشت !!!!!!!) صدام جام زهر را با یو پی اس به بیت امام فرستاد و ایشان نوش جان کردند) .

علی بن موسی الرضا ، صاحب بزرگترین عشرتکده دنیای اسلام در مشهد ، مشهور به تایوان خاور میانه



فاحشه خانه حضرتی در شب

فاحشه خانه مشهد در روز



خانم بیار فاحشه خانه ، آخوند علم الهدی



تعدادی از مشتریان امام رضا در صف

خانم بیار بزرگ اسهال که به بی غیرت ترین امام شیعه مشهور است ، پس از آنکه هارون الرشید پدرش را کشت به جمع او و فرزندانش امین و مامون پیوست و پیوند های نزدیک و صمیمی با آنها داشت . وقتی مامون توانست برادرش امین را بکشد ، به رضا پیشنهاد ولیعهدی کرد . رضا جاه طلب که خون پدرش یک پنی برایش ارزش نداشت ، پیشنهاد مامون را قبول کرد ولی خیلی زود بین آنها اختلاف افتاد و مامون دستور داد تا انگور زهر آلود به رضا بدهند و او را بکشند

بعضی از آخوند ها نیز میگویند، انگور نبود و انار بود !!!و وقتی رضا کشته شد 55 سال داشت ، یعنی 29 صفر 203 هجری .

. هم میهن : چرا حالیت نیست ؟ خلفای عباسی دهن آل علی را سرویس کردند ، تمامی آنها را مسموم و کشتند و تو نمی پرسی چرا امام رضا دست رفاقت با آنها داده و ولیعهدی آنان را قبول کرده است . هم میهن خرد گم کرده من ، چطور حاضر میشوی تا پول زحمت کشیده ات را به ضریح این جاکش بریزی تا مثنی مفت خور ضمن گریاندن تو به ریشت بخندند !

رضا ملقب به رضا کفتر باز ، جاکش و صاحب بزرگترین جنده خانه خاور میانه در 11 ذیقعده سال 148 هجری در مدینه به دنیا آمد . او پدرش را ندید ، چون یکماه پیش از زایش او ، پدرش به دست هارون الرشید به قتل رسید . مادرش نجمه از بردگان شمال آفریقا بود که خریداری شده و سپس زن موسی کاظم شده بود .

رضا کفتر باز دارای چهار زن عقدی بود که نام سه تن آنها در کتب تاریخی آمده : سکینه خیزران ، ام حبیبه بنت مامون ، ام ابراهیم . او دارای کنیزان بسیاری بود که با او همخوابگی میکردند .

مامون پس از کشتن برادرش امین ، رضا را به خراسان فرا خواند تا با علم کردن او جلوی شورش مردم را بگیرد و بگوید بازمانده محمد و علی بر شما حکومت خواهد کرد !!!!! او پرچم سیاه رنگ عباسیان را به رنگ سبز در آورد تا نشان دهد که شیعیان و رضا برایش اهمیت دارند . کار از این جلوتر رفته و مامون ، خواهرش ام حبیبه را به رضا داد . او برای رضا در خراسان سکه هم ضرب کرد .

سه امام دیگر شیعه ، اهمیت زیادی نداشته اند که کسی وقت برای آنها صرف کند خصوصا تیم تحقیقاتی کاظم آقا . در شماره آینده به امام عقیق و مبتلاء به سندرم کلاین فلتر ، حسن عسگری اشاره می کنیم و میگوئیم چگونه آخوند دغلکار با ساختن مهدی موعود ، مارکتی درست کرد که بالای هزار سال است که سود بسیار میدهد که تمامی به جیب گشاد آخوند ها میرود .

امام عقیق حسن عسگری و فرزند غایبش مهدی !

آخوند شارلاتان هفت خط و ملت سوپر گاو ما دست بهم داده و مسخره ترین و مضحک ترین داستان عالم را ساخته اند . داستان نوزادی که ته چاه رفت و بالای هزار سال است که آنجا مانده و برای گهی که از او خارج میشود و ته چاه را کثیف نکند ، آنرا روزانه به مغز میلیونها خرد گم کرده انتقال میدهد .



آداب نوشتن عریضه توضیحات در مورد عریضه

نصویر کامل پتر حاوی

فماز گوران و زائران گرامی:

«عریضه» یعنی عرض حال، بیان مطلب و حاجت به پیشگاه فردی بزرگ که در اصطلاح فرهنگ اسلامی به یکی از شیوه های توسل به انمه معصومین (ع) اطلاق می شود.

عریضه به ساحت مقدس امام زمان (عج):

در کتب روایی و ادعیه معتبر از جمله کتاب منتهی الامال مرحوم محدث قمی (ره) آمده: یکی از راه های عرض حاجت این است که هر کس حاجتی دارد در یک قطعه کاغذ بنویسد و در ضریح یکی از انمه اطهار (ع) بیاندازد و یا حاجت خود را در آخر دعای عریضه بنویسد، کاغذ را ببندد و مهر کند و در نهر و یا چاه آب یا برکه ای بیاندازد یا این نیت که ان شاء الله به محضر حضرت صاحب الزمان (عج) رسیده و مستجاب در گاه الهی گردد.

در بخشی از دعای عریضه این گونه می نویسیم:

مولای من! مظلومم به واسطه مقام شفاعت نزد خدای بزرگ به روا شدن حاجتم سرعت می بخشی و یقین دارم خداوند خواسته ام را که شما از او بخواهی، حتما اجابت می کنی.

توجه:

۱- چاهی که در مسجد مقدس چمکران می باشد خصوصیت خاصی ندارد البته چه بسا به دلیل حال نیایش و توجه بیشتر به ساحت مقدس امام زمان (عج) این مسجد، زائران برای نوشتن و انداختن عریضه خود این چاه را ترجیح می دهند.

۲- برآورده شدن حاجات تابع شرایطی است برخی از آن ها عبارتند از:

- توبه و پرهیز از گناهان
- سعی و تلاش و حرکت برای رسیدن به حاجت ها
- حالت اضطرار و قطع امید از غیر خداوند
- یقین به اجابت و قبول شدن خواسته ها با حسن ظن به خداوند

شرایط حاجت:

اول: مخالف سنت های جاریه الهی و اراده تکوینی خداوند نباشد.

دوم: در خواست امر حلال و جایز باشد.

سوم: فرد حاجتمند معتقد باشد به اینکه حاجت خواستن فقط از خدا جایز است و انمه اطهار (ع) واسطه های ابرومندی هستند که با توسل به آن ها می توان به خدای متعال نزدیک شد.

نکته مهم:

در صورتی که خواسته برآورده نشد نباید تصور کرد که در خواست رده شده است. چه بسا بعد از گذشت مدت زمانی اجابت شود و یا خیر و صلاح حاجتمند نبوده است و یا در عرض آن حاجت، خدای متعال خیر بالاتری را مقدر می نماید.

برای پاسخگویی به سؤالات در این زمینه به کتاب عریضه نویسی چاپ انتشارات مسجد مقدس چمکران و یا به مراکز پاسخگویی سؤالات اعتقادی در صحن مسجد مقدس چمکران مراجعه نمایید.

شرایط نوشتن عریضه برای آقا مهدی !!



صف کس خل های هموطن برای ریختن پول به داخل چاه



امام زمان عریضه این منگول را قبول نکرده !



جمع آوری پول با سیستم وی آی پی که منتظر نشوید !



نوشتن عریضه تنها به زبان عربی !!! این امام جاکش عقب مانده هزار سال است که در کشور ما جا خوش کرده و هنوز زبان فارسی یاد نگرفته است !



چگونه میتوان انتظار داشت که این ملت مسخ شده و مغز خر خورده روزی از خواب 1400 ساله بر خیزد و با کشتن تمامی آخوند های مفت خور و شیاد و جنایتکار خود و کشورشان را آزاد کند ؟ مگر میشود که یک ملت اینقدر ابله و احمق باشد ؟

مهدی از کجا پیدا شد ؟

هنوز صد سال از عمر چسلام نگذشته بود که پسر علی ابن ابی طالبی ، بنام محمد حنیفه که شرحش در شماره های پیش رفت ، پس از مرگ یزید در مدینه خود را خلیفه خواند و چون مرد ، غلام زبل و هفت خطش بنام کیسان به او لقب مهدی داد و گفت : اقام نمرده ، بلکه به کوه رضوی نزدیک مدینه رفته و روزی باز خواهد گشت ! با این چاخان فرقه کیسانی به وجود آمد . ایراد نگیرید و بگوئید مردم آن زمان خر بودند ، اینتر نت نداشتند ، ماهواره نداشتند ، دانشگاهی نبودند ، از دانشگاه کلمبیا مدرک نگرفته بودند ، خوب فردی مثل کیسان میتوانست آنها را گول بزند!! اشتباه شما همین جاست . مردم ما هم اینتر نت داشتند و هم ماهواره ، اونها یک پاشون ایران بود و پای دیگرشون توی کشورهای مترقی غرب ، تمام رهبرانشان کسانی بودند که رضا شاه بزرگ اونها را برای تحصیل بخارج فرستاده بود تا وقتی بر گشتند ، ایران را آباد کنند . اما اونا و مردم ما چه کردند ، دنبال یه جاکش بنام فخرالدین حجازی سینه زدند که می گفت : خمینی کبیر ، چرا نمیگی امام زمان هستی !!!و بعد ها مموتی مشنگ و حلقه مفقود شده داروین ، احمدی نژاد مملکت را به امام زمان سپرد تا وقت کافی برای چاپیدن خودش با انصارش داشته باشه . سال 57 مردم ما عکس امام زمان پیشنهادی فخرالدین حجازی را در ماه دیدند و وقتی خمینی زن قحبه ایران بر باد ده مرد ، بزرگترین و پر خرج ترین مقبره جهان را برای او ساختند .

کیسان برگ برنده را زمین زده بود و اوضاع نابسامان آن زمان یعنی کشاکش بین بنی امیه با علویان و عباسیان محیط را برای رشد این

مزخرفات آماده کرده بود . یکی از علویان که در زمان بنی امیه خواهان خلافت شد ، زید بن علی ، نواده حسین بود که پیروانش او را مهدی موعود دانسته و دورش جمع شدند و در ضمن خواستند با بنی امیه بجنگد . آن مشنگ هم گول پیروانش را خورد و به کار زار روی آورد و چون کسی به او کمک نکرد ، کشته شد . عباسیان هم که از کینه ایرانیان به بنی امیه آگاه بودند ، ابو مسلم خراسانی را علم کردند و هم جا پخش کردند که : چون درفش سیاه از جانب خراسان دیدید ، بدانید که مهدی موعود پیدا شده است . یک مهدی دیگر هم داشتیم که اسمش محمد نفس زکیه بود که نوه پسری امام حسن و نوه دختری امام حسین بود . این مرد چون در بین دو کتفش ، مثل محمد پیامبر خال داشت ، می گفتند که این حقیقتا مهدی است !!!! کسی که پیشنهاد کرده بود محمد نفس زکیه به خلافت برسد ابو جعفر منصور بود و زمانی که خودش به قدرت رسید ، دستور داد محمد ، پدرش و برادرش ابراهیم را گردن بزنند .

مغیره بن سعید ، پس از مرگ امام محمد باقر ، مذهبی اختراع کرد و گفت : محمد باقر نمرده و در کوه علمیه که در راه مکه است پنهان شده و یک روز بر میگردد . ناووسیه ها هم میگویند : امام جعفر صادق نمرده و او خود مهدی است .

مبارکیه ها نیز مدعی هستند که اسلام 7 امام بیشتر ندارد و آخرین آنها محمد بن اسماعیل بن جعفر ، یعنی مهدی است .

عده ای هم بنام محمدیه ها میگویند : پسر امام علی النقی مهدی است . مسلمانان واقفیه میگویند : حضرت موسی ، مهدی است .

عسکریه ها نیز ادعا می کنند که خود امام یازدهم ، مهدی است .

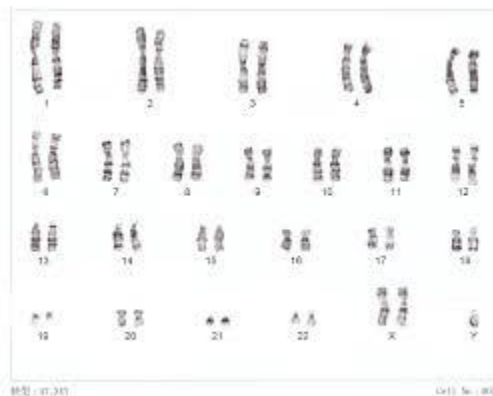
پیروان مذاهب حقه ، ناجیه و عصابه میگویند : پسر امام یازدهم خود

مهدی است

امام یازدهم ، حسن بن علی العسکری ، با قد بلند ، صورت خواجه گونه ، زیر بغل بدون پشم ، ممه های بزرگ و بیضه های کوچک ، اصولاً نازا و عقیم بود و بیضه هایش اسپرمی تولید نمیکردند . امروزه این علائم را در بیماران مبتلاء به سندرم کلاین فلتز می بینیم . این بیماران دارای نقص کروموزومی بوده و یک کروموزوم ایکس اضافی دارند .



مشخصات ظاهری امام یازدهم . میدانید چرا به انگور بدون هسته و تخم عسکری میگویند ؟



آرایش کروموزومی (کاریو تیپ) امام یازدهم

چون موقع مرگ این امام بدون تخم فرا رسید ، اطرافیان گفتند : ای داد و بیداد امامت تمام شد و مالید . عنقریب این دکان پر سود بسته میشود . آنها به فکر سرمایه گذاری دراز مدت افتادند . زمینه فکری هم مهیا بود و تا کنون ده ها تن خود را مهدی معرفی کرده بودند . در این بین فردی بنام عثمان بن سعید ، که دل خوشی از برادر امام یازده ، جعفر نداشت ، شایعه کرد : امام یک بچه 5 ساله داشته و آنرا در سرداب پنهان کرده است . جعفر هم میگفت : بابا ، برادر من عقیم بود ، اون اصلا بچه دار نمی شد . او خواجه بود . ولی از آنجائیکه لشکر جهل اسلامی طرف عثمان بود ، او پیروز شده و لقب کذاب به جعفر داد و این لقب روی آن نگون بخت ماند . عثمان خود را میانجی بین مهدی و مردم کرد و نقش جبرائیل را بازی کرد . در حقیقت حفر کننده اولیه چاه جمکران عثمان بود .

اصولا برای زنده ماندن مذهب دو چیز لازم است : وقاحت و شارلاتانی مبلغین و گاو بودن پیروان . 1400 سال است که این دو فاکتور پدر مملکت ما را در آورده و چشم انداز روشنی برای ریشه کن شدن آن وجود ندارد . یک فرد مسلمان که به جبر اندیشی اسهال متعقد است ، حق سؤال کردن و مشکل تر از آن اندیشیدن را ندارد . عثمان بن سعید ، سالها خود را باب می نامید ، او پستی برتر از خلیفه برای خودش ساخته بود . در زمانی کوتاه پول او که از محل نذورات و عریضه هائی که مردم ، همراه با پول برای مهدی میفرستادند از پارو بالا رفت ، او را حسابی صاحب زور و قدرت نمود . پس از مرگ عثمان ، پسرش محمد دکان پدر را باز نگهداشت و وقتی محمد مرد ، سرقفلی مغازه به شخصی بنام حسین بن روح و بالاخره به یک ایرانی پشت کرده به وطن و شارلاتان بنام محمد بن علی سیمری داده شد . علی سیمری به هنگام

مرگ ادعا کرد : امام 12 گفته ، بزرگ شدم و دیگر نیاز به واسطه ندارم
!و درست کلام شارلاتان کبیر محمد را تکرار کرد : من خاتم الربطه
هستم .

هم میهن : میگویند دروغ هر چه بزرگتر باشد ، باورش ساده تر است .
پس این وسط شعور و عقل و درایت تو چه نقشی دارد ؟ وقتی داستان
مسخره امام زمان را می خوانی و شاخ روی سرت سبز میشود ، آنرا در
آینه نمی بینی و با کلاه آنرا می پوشانی . تاریخ تار عنکبوت بسته اسلام
جز خون و جهل چیزی برای نوشتن ندارد . بیا و یک بار و برای همیشه
با خواندن کتابهایی چون بحار الانوار مجلسی و یا غیبت فضل بن شاذان
، افسانه امام زمان و مهملات اسهالی را به چاه مستراح بسپار و خودت
را آزاد کن .

امام یازده حسن عسکری که قیافه خواجه گونه داشت ، همواره خود را از
مردم پنهان میکرد . عده ای می گفتند : این مقدمه غیبت فرزندش ، مهدی
است !!!!

در جعلیات آخوند هائی چون کلینی و ابراهیم کفعمی می خوانیم که مهدی
در نیمه شعبان سال 255 هجری به دنیا آمده ، ولی آخوند مفید میگه :
255 نبوده ، 244 بوده و آخوند حسن بن محمد بن حسن قمی میگه : نیمه
شعبان نبوده ، هشتم شعبان بوده ! در خصوص عقیم بودن امام یازده شک
نکنید چون اگر او عقیم نبود ، یکی از زنان بی شمارش برای او فرزندی
به دنیا میآورد . نمی شود گفت هر 150 تا زنان امام نازا بودند ! محمد
بن علی بن حمزه میگوید : مادر مهدی نامش ملیکه و دختر امپراتور روم
بود ! که داستانش را در کنار افسانه مضحک امام حسین و شهربانو
برایتان گفتم . اگر شما تمامی تاریخ روم را بررسی کنید ، هرگز اسمی

بنام ملیکه و یا ملکه نمی یابید . ملیکه یک نام صد درصد عربی است .
 آخوند های بی پدر و مادر چاخان ساز برای مادر مهدی نام های دیگری
 هم ساخته اند : روزهای دوشنبه و سه شنبه ؛ سوسن !! روزهای
 چهارشنبه و پنجشنبه ؛ ریحانه ! روزهای جمعه و شب جمعه : نرجس یا
 نرگس و شنبه و یکشنبه ؛ صیقل ! شنیدن داستان امام زمان از دهان بشر
 بن سلیمان برده فروش هم شنیدنی است : روزی کافور ، غلام امام بدون
 تخم ، نزد بشر برده فروش می رود و میگوید : امام شما را احضار کرده ،
 بلند شو و راه بیفت . بشر به خدمت امام می رود و حسن به او میگوید : بیا
 و این 220 اشرفی را بگیر و یک کنیزی برای من بخر که در زیبایی و
 ملاحظت تک باشد . بشر بن سلیمان برای سفارش امام راهی بغداد میشود
 و در معبر فرات وقتی کشتی بردگان میرسد ، چشم او به زنی می افتد که
 قیمتش 300 اشرفی بود . بشر به زن میگوید : من می خواهم تو را برای
 فرزند پیامبر خریداری کنم ، ولی فقط 220 اشرفی دارم . زن میگوید : با
 عمرو بن زید برده فروش صحبت کن ، اگر راضی نشد من 80 اشرفی
 را خودم میدهم !!!!!!!!!!!!!!!

بشر بن سلیمان اضافه می کند : من آن زن را با کمک مالی خودش
 خریدم و بعدا فهمیدم او ملیکه ، دختر امپراتور روم است که بخاطر عشق
 امام یازده از قصر پدرش فرار کرده و خود را برده نشان داده است !!!!!
 ملیکه دختر یشوعا قیصر روم و مادرش از فرزندان شمعون بن الصفا ،
 وصی حضرت عیسی بوده است !!!!!!!!!!!!!!! ای چیز به کون هر چی آدم
 خر و دروغگو . یکی نیست به این زنا زادگان یاوه گو بگوید : نام یشوعا
 از یسوع و یا یشوع به معنی عیسی مسیح که صد در صد عربی است می
 آید و باز اگر تمام تاریخ روم را بررسی کنید ، رومیان قیصری بنام
 یشوعا نداشته اند .

داستان پردازی های احمقانه تنها خاص اسلام نیست ، این ضعف در تمامی ادیان به چشم میخورد : باز کردن دریا توسط موسی ، ملخ پرانی یهوه ، زنده کردن مرغ گچی توسط عیسی و یا حامله شدن مریم خانم از خدا و نهایتا حامله نشدن مریم خانم از مسعود رجوی .

طبق نوشته های در دست ، تولد مهدی مصادف با مرگ آقاجونش امام عسگری بود . با این حساب وقتی امام خواجه با ملیکه ازدواج می کند ، پیر و ناتوان بوده و نای حرکت نداشته است . یک آدم خیلی باید رو داشته باشد که بگوید : بچه از منست ! در کتاب نجم الثاقب حاج میرزا حسین جراسی نوری ، رویه های 28 و 29 نوشته : مهدی در رحم مادرش ، سوره انا انزلنا لى ليله القدر را حفظ کرده !!!! معلم مهدی عمه اش حکیمه خاتون بوده . علی بن حسین مسعودی در کتاب اثبات التوصیه می نویسد : وقتی مهدی متولد شد ، امام حسن عسگری او را روی سینه اش گرفت ! (حسن ، پیش از تولد کودک ساختگی اش مرده بود) بچه گول پستانهای بزرگ امام را خورده و شروع به مک زدن نموده است !! امام پس از شیر دادن او را ختنه کرد !! و از او خواست تا حرف بزند که مهدی صلوات فرستاد !!!!! و بعد به ریش پدرش می شاشد ! این گفته علی بن حسین مسعودی را نمی توان باور داشت ، چون امام خواجه ریش نداشت که آقا مهدی به آن بشاشد .

در کتاب مشارق الانوار حافظ برسی ، داستان سرائی به کمپانی دیسنی می کشد و در کارتونی ، مرغ ها ، مهدی را به آسمان میبرند و مرغی که سرکرده سایر مرغها بود ، عیسی مسیح بود !!!! نویسنده ابله کتاب ، عیسی مسیح را می کند کلاغ !! مهدی در چهل روزگی راه رفتن بلد بود !!!!! (کتاب هدایه از غلان کلابی) . موقع تولد مهدی ، هیچ بچه ای در دنیا متولد نشد !!!!! (بحار الانوار مجلسی) . شیخ نابکار شیاد احمد بن

جعفر طوسی که به نظر میرسد جد سعید طوسی قاری قرآن باشد ، می نویسد : موقع تولد ، چشمان مهدی بسته بود ، پدر بزرگوارش چشمان او را لیسید و چشمان کودک باز شد !! سپس امام زبان مبارکش را داخل دهان نوزاد کرده و کام او را لیسید و بعد زبانش را در گوش مهدی کرده و آنرا لیسید و از طعم تلخ ماده " سرو من " داخل گوش ناراحت نشده و به کودک گفت بخوان ! مهدی هم آیات قرآن را خواند !!!!!!!

هم میهن : آیا میدانستی که برای موجود پنداری چون مهدی ، 179 نام دیگر درست کرده اند ؟ از آن جمله : اصل ، ایزد شناس ، ابو تراب ، ابوالحسن ، ابراهیم ، ایدی ، شیخ فرات ، پرویز ، برهان الله ، کوکما !!!! ، الفرج العظم و.....

شکل ظاهری مهدی : میگویند مهدی شبیه ترین انسان به عیسی مسیح است ! حالا چرا عیسی ، چرا شبیه محمد و یا علی نیست . چرا شبیه صادق خلخالی نیست ، عملش که درست مثل اوست ، چرا قیافه اش مثل او نباشد . عیسی از آن نظر انتخاب شده که پدر شناخته شده ای نداشت و گفتند کار شیطونی خدا با مریم خانم است . خوب مهدی هم که باباش اسپرم نداشت تا او را پس بیندازد ، باید منصوب به عالم بالا شود . مهدی سرخ ، گندم گون . رنگ پوستش عربی ولی جسمش بنی اسرائیلی است !!!!!!! قد متوسط دارد و پیشانیاش فراخ و ابروانش مثل خانم های دوره قاجاریه بهم پیوسته است .

شرایط ورود مهدی به جو زمین !

از آنجائیکه عیسی مسیح مثل کلاغی که قالب صابون بلند کند ، مهدی را به آسمان برد و او را تنها با ملائکه و ارواح قدیسه معاشر کرد تا فاسد نشود ! روز جمعه 23 رمضان که سالش معلوم نیست (کتاب غیبت

نوشته نعمانی) همراه با سرخی آسمان و غرش مهیبی به زمین می آید . هنگام ورود به جو زمین ، کره زمین و منظومه شمسی از حرکت باز میماند!!!!!!(روایت شیخ مفید از قول امام محمد باقر ، توضیح المسائل شجاع الدین شفا) . ایشان 309 سال خلافت می کنند!!!!!!(فضل بن شاذان از قول امام محمد باقر) در این مدت ابری سفید بر چهره ایشان می نشیند!!!!!! 46 هزار ملائکه و 6 هزار جن همراه ایشان به زمین می آیند!!!!!! این عده کسانی بودند که با حضرت نوح سوار کشتی ایشان شدند!!!!!! تا آنجائیکه ما میدانیم تمام سر نشینان کشتی نوح را حیوانات تشکیل میدادند .

امام زمان وقتی می آید بین 30 تا 40 سال دارد!!!!!!(شیخ طوسی در کتاب غیبت و مجلسی در کتاب بحار الانوار) . شیخ صدوق در کتاب خصال می نویسد : وقتی امام زمان بیاید ، درنده خوئی از بین حیوانات وحشی می رود ، که با این قسمت صد در صد موافقیم ، چون تمام درندگان حیرت زده و انگشت به دهان حیوان جدید را نگاه می کند که چطور آدم می کشد تا خون به زیر شکم اسبش برسد . در زمان ظهور مهدی ، مار و عقرب میشود پت بچه ها !! (کتاب عقل الدر شیخ شرف الدین) . شیخ مفید در کتاب ارشاد خود می نویسد : تعدادی مرده با حضرت مهدی به زمین می آیند ! 27 مرده از قوم موسی ، 7 مرده از اصحاب کهف . یوشع بن نوح ، سلمان ، لبو دجاز ، مقداد و مالک اشتر از انصار !

فضل بن شاذان اعتقاد دارد ، وقتی مهدی بیاید ، صحرای عربستان هاوایی میشود!!!!!! او صد ها زن میگیرد و هزاران بچه پس می اندازد!!!!!! تمام بچه های مهدی پسرند و دختری در بین آنها نیست!!!!!! علی بن بابویه میگوید : با ظهور مهدی ، بواسیر و جذام و سگته قلبی و مغزی

شیوع بیشتری پیدا می کنند!!!!!!

شیخ صدوق در کتاب غیبت می نویسد : موقع ظهور مهدی خورشید از غرب طلوع می کند و از ظهر تا شب از حرکت باز می ایستد ! دو سوم جمعیت زمین نابود میشوند ! مرگ آنها بخاطر طاعون است ! ملخ های خون خوار حمله می کنند ! جوانان بنی امیه و بنی عباس هر کجا که باشند پیر می شوند و الله دستور میدهد تا پرنندگان و درندگان آنها را بخورند!!!!!!

هم میهن : این مذهبی است که بر گزیده ای و یا به زور به تو فرو کرده اند ، عامل اصلی پس رفت فکری توست . اگر امروز به خاک سیاه نشسته ای بخاطر اسلام است . بخاطر مزخرفاتی است که به مغز تو خورانده اند . کدامیک از یاوه های بالا در باره موجودی پنداری و ساختگی با علم هم خوانی دارد که کشورت را به آن می سپاری و در اوج سفاهت میگوئی : مملکت من امام زمانی است!!!!

علامه مجلسی میگوید : امام زمان چهل روز به قیامت مانده تشریف میبرند!!!! یکی نبود به این زن قحبه بگوید : اقا مهدی که دنیا را مملو از عدل و داد کرده و دیگر جایی برای قیامت باقی نمانده . او هرچی آدم بد و کافر را کشته تا جایی که خون به زیر شکم اسبش رسیده ، حالا در پرده دوم چه غلطی می خواهد بکند .

هم میهن : سنگینی حماقت چند سده را از روی دوشت بر دار . با تف کردن اسلام به بردگی و بندگی 1400 ساله ات خاتمه بده . از ما گفتن!

سئوالات نهائی برای بردن دو کیسه برنج پری و یک شیشه روغن هسته
انگور :

دو چیز در جهان بی انتهاست ؟

الف : کهکشان

ب: حماقت آدمها

ج : هر دو

د : هیچکدام

امام ششم شیعیان به چه لقبی مشهور است ؟

الف : صادق

ب : سارق

ج : هر دو

د : هیچکدام

امام حسن چند تا زن داشت ؟

الف : دویست و سی تن

ب: نود تن

ج: چهار صد و هفتاد تن

د : سی و نه تن

امام حسین جانش را بر سر چه چیزی گذاشت ؟

- الف : آزادی و آزادمندی
ب : خانم دزدی
ج : به هنگام جنگ سوره کشیدن
د: مظلوم نمائی

لطفا جوابهای درست خود را همراه با پنجاه دلار بابت هزینه ی
پستی به آدرس دبیرخانه ریشنامه بفرستید (چک قبول نمی شود .
فقط مانی اردر)

پایان

